



طلوع وحدت

ارگان نشریاتی حزب وحدت اسلامی افغانستان - کابل

شماره (۵۷) سال چهارم عقرب ۱۳۷۴ هـ ش ۱۴۱۶ هـ ش ۱۹۹۵ میلادی

گزیده از سخنان

استاد خلیلی

دبیر کل حزب

وحدت اسلامی



در تاریخ ۸، ۹، ۷۴ در شبیر

صفحه ۵

انگیزه های شهادت استاد عبدالعلی مزاری و ضربه پذیری

قسمت دوم
صفحه ۳

حزب وحدت اسلامی افغانستان

کشورالمیت افغانستان، اندکریستی-اثری ازآرادیهای مذهبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وجود نداشته ونداردوازمین ناحیه پویایی و تکامل جامعه فوق العاده صدمه دیده وقشرهای طبقاتی مستبد که عاملین اساسی دیکتاتوری، استثمار، استبداد، عقب ماندگی های اجتماعی ۰۰۰ در جامعه اند، باتمام توان فکری، مادی نظامی، سیاسی سعی ورزیدند که اینگونه روابط کهن ضد انسانی وظالمانه حفظ گردد وباتمام توان در برابر آزاداندیشها عدالت ودموکراسی صف آرائی نمایند، در همین

پنجم - دفاع اسناد مزاری ازدموکراسی: اگر یک نگاه گذرا در ساخت سیاسی اجتماعی کشور صورت گیرد بخوبی میبشاهد ه میرسد که در افغانستان، سیاستهای منحوس وظالمانه بیداد گری، دیکتاتوری وحذف هویت ملی دیگران و۰۰۰ در عمق سیستم سیاسی جامعه ریشه دارد واین روس ناشی از ماهیت وترکیب طبقات حاکم فاشستی در جامعه وزاده سیاست انحماري آنها می باشد ودر نقطه مقابل آزادی عقیده و بیان ودموکراسی قرار دارد وباید گفت که در جامعه



جنگ در کابل فرسایشی شد

گذارشات واصله نظامی و سیاسی از کابل حاکی از آنست که جنگ در کابل باز هم فرسایشی شد و طرح جدید محمود مستری نماینده خاص سازمان ملل که در آن ۲۸ تن از شخصیت هارا - برای انتقال قدرت از ربانی انتخاب نموده بودند بعلت نقص در میکانیزم انتخاب افراد مذکور رد گردید و گروه طالبان که میخواستند به تنهایی در کابل ربانی را سقوط داده سکه را بنام خود بزنند نه تنها موفق بگرفتن کابل نگردید بلکه سنگرهای هم عقب رانده شدند، بنظر میرسد فرسایشی شدن جنگ که فاجعه غلیمی را برای ملت افغانستان بدنبال دارد، از انحصار ناشی میشود که اندیشه انحماري با انحصار طالبان تصادم کرد، اما حاصلش فرسایشی شدن جنگ بود زیرا گروه طالبان با جمع آوری انبوهی از نیروهای ایلحاری فاقد تحارب نظامی

صفحه ۱۱

استاد خلیلی در مصاحبه با رادیو بی بی سی

استاد عرفانی معاون اول دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان طی مصاحبه با استاد

تبلیغی رهبر شهید

نظری بر گذشته و آینده افغانستان

لگوهای مقاومت

تقدیر نامه دبیر کل حزب وحدت اسلامی بمردم جاغوری

اعجاز قرآن "قسمت پنجم"

اس آتشک (داستان)

شعر های معاصر افغانستان

نامه های رسیده ۱۳۹۴

نردبان گمراهی

صفحه ۱۴

صفحه ۲

صفحه ۸

صفحه ۱۲

صفحه ۱۵

صفحه ۱۶

صفحه ۱۱

صفحه ۶

گزیده اخبار

صفحه ۷

صفحه ۹

خاطره از غرب کابل

عبدالحسین مقصودی عضو شورای مرکزی ومعاون اول کمیته سیاسی حزب وحدت اسلامی که در این مدت از همکاران نزدیک استاد مزاری - (شهید) در کابل و طبق دستورات و هدایات رهبر شهید و شورای مرکزی در متن حوادث حضور داشته ، از ایشان خواستیم تا تجربیات را انطوریکه بوده برمابیان نماید که ایشان نیز در ۲۶ صفحه مرقوم فرموده که ماضن تشکر از حاج آقای مقصودی انشاء الله در چند قسمت تحت عنوان "خاطره از غرب کابل" بچاپ سپرده خواهد شد .

اداره طلوع وحدت

خوانندگان گرامی ۱

حوادث که طی سه سال واندی در غرب کابل بوقوع پیوست ، نقطه عطفی است در تاریخ خونین ملت شیعه وهزاره در کشور افغانستان که بنظر میرسد ضرورت است تا این حوادث مویمودرج تاریخ شود واز سوی دیگر ممکن است خیلی هانمیدانند که طی این مدت در کابل وبخصوص غرب کابل چه گذشته ؟ لذاتصمیم بر آن گرفتیم تا هرگونه معلوماتی در این خصوص بدست ما برسد آنرا بچاپ بسپاریم ، در اولین گام از اینکه جناب الحاج

درین شماره میخوانید

- ۱- گزیده از سخنان استاد خلیلی در
- ۲- جنگ در کابل فرسایشی شد
- ۳- انگیزه های شهادت استاد مزاری و
- ۴- استاد خلیلی در مصاحبه ای با
- ۵- اسناد عرفانی طی مصاحبه ای با
- ۶- نظری بر گذشته و آینده
- ۷- الگوهای مقاومت
- ۸- تقدیر نامه ای بمردم جاغوری
- ۹- اعجاز قرآن
- ۱۰- آتش اشک
- ۱۱- شعر معاصر افغانستان
- ۱۲- نامه های رسیده
- ۱۳- نردبان گمراهی
- ۱۴- گزیده اخبار



جنگ در کابل فرسایشی شد

ودریک مورال بسیار ضعیف و پائین بدروازه های کابل رسیدند ، فکر میکردند همانند قضیه سقوط هرات به پیش خواهند رفت ، اما متوجه نشدند که در سقوط هرات نقش اول را - معامله انجام شده داشت و نقش دوم راهبها و همه مخالفین ربانی مخصوصا " بمباران شدید هوایی جنبش ملی اسلامی شمال داشتند که نماینده طالبان طی مصاحبه ای بصورت عریان این همکاری را انکار ، رد و هماهنگی را با دیگر مخالفین ربانی مردود شمرد ، در اینکه نیروهای مخالف ربانی قدرتمند است و اگر چنانچه برنامه مدونی بوجود آید رژیم ربانی را سقوط خواهند داد جای شکی نیست ولی این کار تا حال صورت نگرفته که در میان راستا آگاهان سیاسی بر این باورند که طالبان غیر از خود کسان دیگر راهب هیچ وجه نمیخواهند چنانچه طی مصاحبه های متعدد این قصد شان را نیز پنهان نداشته اند ، اما نکته قابل تامل اینجاست که گروه طالبان علیرغم اینکه عملا " دیدند که آقای ربانی با توجه به انحصار گریهایش شکست خورده و موفق به کنترول و اداره کشور نگردیده ولی عین پیشه را طالبان عمل مینمایند ، آیا اینان موفق خواهد بود؟

سئوالیست که جواب آنرا کردار ربانی و مسعود پاسخ میدهد که نخیر هرگز به چنین روئیائی دست نخواهند یافت ، از سوی دیگر این سئوال بوجود می آید که طالبان درین کشور چه می خواهند ؟ اگر میخواهند بحران در کشور خاتمه یابد که آنها نمیتوانند به تنهایی این کار را عملی سازند مگر اینکه تمامی نیروهای مخالف ربانی به سقوط آن هماهنگ شود ، این کار زمانی عملی است که طرح جامعی رامعین و تضمین اجرائی در کار باشد ، در غیر آن طالبان خود که شعار صلح سرداده اند عملا " علیه تمام بملت افغانستان بر خواسته و بقتل عام ادامه میدهد نکته حالب دیگر اینجاست که نخست وزیر پاکستان طی مسافرتی به جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان موضع سمی دولت مطبوعش را ایجاد یک حکومت وسیع البنیاد که شامل تمام جناحهای درگیر و غیر درگیر در افغانستان باشد اعلام میدارد ، اما گروه طالبان تحت حمایت شان برخلاف این موضع حرکت می کند این چه مسائلی را بدنبال خواهند داشت بعضی از مفسرین سیاسی بر این عقیده و باورند که طالبان خواهان رفع بحران درین کشور نیست بلکه دنبال اهدافی است که تا هنوز افشار نشده

بهر صورت آینده تاریک و مبهم است و تمام طرفهای درگیر بدون موجودیت طرح اساسی مشغول نبرد اند که انتظار می رود دلسوزان به کشور و مردم تلاش نمایند تا راه حل مناسب بیابند و طرح جامعی که منجر به صلح و امنیت گردد ارائه دهند .

پایان

تهیه و تنظیم از : نجاشی آمربیت ارشاد فرقه ۹۵

الگوهای مقاومت

هزاره های دلیر و رنج دیده ماطی چهارده سال جنگ علیه اشغالگران و مزدوران آنها از هر نوع کمک های غرب به جرم شیعه طرفدار ایران - محروم بودند یا انهم افتخار اولین مناطقی آزاد شده از آن همین پاره ها بوده و نختین جرقه وحدت و یکپارچگی احزاب و تنظیم ها از متن مناطق مرکزی با ارائه و خواست دلسوزان به هزاره ها بوجود آمد .

درین گروه دارا افغانستان که از وضع اسفبار تحمیل جنگهای ۱۴ ساله کمونیست هارنج میبرد کابل فتح گردید و دولت نجیب سقوط کرد و دولت اسلامی جایگزین آن گردید ، مردم شیعه و هزاره همانطوریکه در جهاد مقدس و دفاع از کشور نقش موثر داشت از دولت اسلامی توقع عدالت ، برابری ، برادری و امنیت داشتند برخلاف بازم به جرم هزاره و شیعه بودن جنگ هائی از سوی سیاف و هابی و باند شورای نظار علیه مردم ما پیهم تحمیل گردید و بمنظور حذف هزاره ها از صحنه سیاسی کشور از هیچگونه آزاد ، ادیت ، شکنجه اختطاف ، قتل و غارت بی رحمانه دریغ نکردند اما دشمن کور خوانده بود و به فرموده استاد شهید مزاری (حالا بیست سال قبل نیست) - مردم ماتحت رهبری این رهبر عزیز هزاره ها از خور و بزرگ و از پیر و جوان در دفاع از حریم ملی و شرعی خود پرداختند که اینک نمونه ای از الگوی مقاومت رامن از لای بلای دفتر خاطراتم یادآور میشوم * تاسیس ۱۳۹۴

خلیفه رمضان شش فرزند جوان و بیرومند داشت آنها را به جبهه میفرستاد که قوماندان (هادی) یکی از این برادران است ، جنگ های شدید و حملات پیهم دشمنان همچنان ادامه دارد توگویی هر روز تقدیر و قسمت غرب کابل هدیه حد اقل هشت شهید است که بپردازد . شش برادران همراه با سایر رزمندگان سرسختانه مقاومت میکنند و بطور نوبتی هر یک وقتیکه برای تبدیلی لباس و حمام بخانه می آیند ، خلیفه رمضان اصرار و تاکید میکند ، بروید از ننگ و ناموس تان دفاع کنید خط مقدم را رها نکنید ، کجا آمده اید ؟ (خلیفه رمضان میگوید : فرزندانم از دیدن شما خوش میشوم ، لذت میبرم اما دفاع از مردم درین شرایط خیلی ضرور است زود بروید بالای مردم آتش میبارد هر لحظه در خط مقدم

حمله میشود ، دوست ندارم در خانه دیدم بمانید ، حتی خلیفه رمضان در یکی از جنگ ها باشش فرزندش شرط میندند که حمله از شما عملیات از شما ، مهمات شمارامن میرسانم و به اصطلاح نظامیان مهمات تان را حواب اس سه فرزند این مرد حماسه ساز و غیور هر یک دگروال انجنیر برات در تپه مرنجان ، محمدصاد در اسکاد و محمد داود در غزنی در جنگ های رویارویی شهید میگردند ، خلیفه رمضان هیچ تا شیر منفی در روحیه اش بوجود نیامد و سه فرزند باقیمانده اش که قوماندان هادی از آن جمله است ترغیب به ادامه مقاومت و دفاع از هزاره مینماید و امروز قوماندان هادی با برادر ها و همسنگران در اولین خط دفاعی هزاره ها قرار دارد غرور رمضان نیز به حدی بود که به خاطر رهائی قوماندان هادی که نزد دولتی ها بود نزد مزدوران دولتی نرفت و این را نتنگ دانست و گفت : من هادی فرزندم را بحساب شهید قبول کرده ام ، هرگز نزد کسی برای رهاش اوسر خم نخواهم کرد ، خوشایه تو هزاره که چنین پدران و فرزندان مقاوم و دلیر داری و افتخار بتو هزاره مردم که چنین سربازان داشته باشد شکست ناپذیر است در عکس از طرف راست . قوماندان هادی یادوتن از برادرانش انجنیر محمد اسحق قره باغ در حالیکه از ناحیه پافلج و خود نتوانسته بود به جبهه برود سه فرزندش را ترغیب به جبهه میکنند و عاشقانه ترجیح میدهد در خط دفاع فرزندانش را بفرستد در حالیکه سخت مریض بود حسد آغشته بخون نوحوان (۱۸) ساله اش عبداللہ داخل حویلی گردید ، با مشکل تادر وازه خانه آمد روی فرزندش را بوسید و باتیسم بیسه مجاهدین و مردم گفت : (من خوشحال هستم که برای اسلام و مردم خود فرزندم شهید شد .) برو فرزندم خدا حافظ ، همه مردم و مجاهدین به او تحسین کردند و برگشت بالای بستره اش چند هفته نگذشته بود که فرزند (۱۶) ساله اش اسدالله در سرک ۳ سیلو شهید شد بدون اطلاع پدرش او را دفن کردند ، شت چند نفر خواستند او را مطلیع سازند ، امروز اسدالله به شهادت رسید او را دفن کردیم خدا بیامور زد - قسمتش چنین بود ، شما مریض بودید .





انگیزه های شهادت استاد عبدالعلی مزاری و ضربه پذیری حزب وحدت اسلامی افغانستان

رابطه است که عناصر فاشستی و نومذبحانسه تلاش دارند که پایه های دیکتاتوری حزب نظامی، سیاسی، قومی خودهار ایاکمکه های بیدریغ خارجی در کشور ماتقویت بخشند و سیاه روزی تازه تری را بر زخمهای سرطانی و کشنده تاریخی ملت غمبار افغانستان بی افزایند.

استاد مزاری شهید راه حق و عدالت در تمام ابعاد فکری و حیات اجتماعی، سیاسی خود و نیز در جریان انقلاب ثابت نمود که آزادیهای سالم اجتماعی، آزادیهای عقیده و بیان و مطبوعات یکی از نیازمندیهای میسر جامعه ما را تشکیل میدهد و جهان بشریت نیز با این عنصر حیات بخش خیلی احتیاج دارد فلها مطابق شرایط عینی و ذهنی جامعه آزادیهای معقول و منطقی و انسانی بدون هرگونه تبعیض مورد توجه عملی قرار گیرد و آزادی فکری و دموکراسی جایگزین دیکتاتوری های تک ملیتی و قبیلوی و استبداد طبقاتی و حاکمیت فرهنگ مسخ شده گردد. این حرکت و خواست استاد مزاری شهید از دموکراسی و عدالت اجتماعی باعث آن شد که نیروهای فاشستی گروه طالبان و باندهای ربانی، سیاف، مسعود در پی تدارک شهادت استاد مزاری و ضربه زدن بر حزب وحدت اسلامی گردیدند و بدین وجه روح فاشستهای عبدالرحمن خانی و بادران شانرا شاد کردند.

ششم - نقش حرکت اسلامی محسنی:

از آن آنیکه گروهها و احزاب هزاره و شیعه در کشور با سیس شد مرکز عمده جغرافیائی آنها، هزاره جات و عناصر اصلی و تعیین کننده این تشکیلات را هزاره ها و برخی فرعی آنانرا دیگر برادران شیعه و سنی تشکیل دادند پس از مدت تحارب، بنا بر نیاز مبرم انقلاب تمام مسئولین، مربوطین، در نزد مردم و هوا داران احزاب نامبرده، میثاق وحدت را با سوگند شرعی و رسمی امضا نمودند و حزب وحدت اسلامی افغانستان را در شهر باستانی و تاریخی بامیان بوجود آوردند، درین راستا اکثر شورای مرکزی حرکت اسلامی با پیمان شرعی و وحدت وفادار ماندند و صرف آقاییون محسنی، انوری،

جاوید، هادی تعهد شرعی و میثاق وحدت آفرین را خائنه لگد مال نموده و به استفاده سیو از مقدسات مذهبی و علرغم آگاهی سیاسی مردم رهبری یکتعداد در یسمان بدوشان و مردم مظلوم ما را غصب کردند و در تضاد به منافع و مصالح ملت بخاطر کسب پول، مقام در خدمت باندهای شرارت پیشه و جنگ افروزان ربانی، مسعود و سیاف قرار گرفتند، زمانیکه مراکز شیعیان در چنداول، افشار، کارته سخی، دشت برچی غرب کابل و غیره توسط آدمکشان ربانی، مسعود سیاف این دشمنان قسم خورده ملت ما بخاک و خون یکسان گردیدند، درین معرکه نه تنها در کنار جانیان دولت نام نهاد ربانی قرار گرفتند بلکه دست چور و چپاول فاشستهای اتحاد سیاف، جمعیت ربانی، شورای بدنام نظار مسعود را نیز بالای اهالی مظلوم کابل بازگذاشتند، باند انوری، جاوید، محسنی، هادی با چنین اعمال ضد انسانی و ضد اسلامی خودها ضربات جبران ناپذیر را به پیروان و عاشقان راستین راه حسین (ع) و ملت افغانستان وارد نمودند ولی با آنهم جبهات افتخار آفرین و ظفر مند حزب وحدت اسلامی پیروزیهای چشمگیر و حماسه های عزت آفرین را علیه جنگ افروزان کسب نمودند و دشمنان را مانند مارهای زخم خورده سخت سراسیمه و شکست دادند.

از آنجائیکه جنگ افروزان از مساعدتهای نظامی اقتصادی، تبلیغاتی، سیاسی خونخواران بین المللی و همدرستان شان برخوردار بودند با چالپلوسی باند انوری، جاوید، هادی در سدد جبران شکستهای بی شرمانه خویش علیه حزب وحدت و مردم بی گناه غرب کابل بیشتر و شدید تر بسیج شدند تا باعث تداوم عمرنگین و شرم آور دولت نام نهاد گردد، همین شیعیان خود فروخته درباری، بالاترین ضربه را در جنبش تشیع ملت افغانستان وارد آورده و باعث تقویت موقتی دشمنان ملت ما گردیدند.

هفتم - خیانت چند نفر شیعه در داخل حزب وحدت:

از آنجائیکه حزب وحدت از بطن جامعه هزاره و شیعه نشین عرض وجود نمود افراد و شخصیتهای روحانی، علمی، سیاسی، فرهنگی و مردم ما عناصر تشکیل کننده حزب وحدت اند و پیگاه اجتماعی این حزب را هزاران نفر از قبایل ریسمان بدوشان، دهقانان بی زمین، کارگران خانه بدوشان، مردم بی بضاعت و فقیر هزاره.

و دیگر مناطق تشکیل میدهند. حزب وحدت از بدو تا سیس خود در تاریخ نظامی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی ۰۰۰ کشور اثرات و حماسه های فراموش ناشدنی را بجا گذاشته که بصورت ملموس و عینی بمشاهده میرسد، این روند تکاملی حزب وحدت و توده های تاریخ ساز این مرز و بوم از آغاز تا کنون برای دشمنان آزادی و عدالت اجتماعی و برابری حقوق ملیتها قابل قبول نبوده و نیست، دشمنان خونخوار تازه بدوران رسیده از طریق بمباران ها، راکت باران ها، قتل عامها، غارتها ۰۰ بالای حزب وحدت و ساکنین بی گناه غرب کابل قادر به نابودی مردم مانگردید، این بار شورای فاشیت نظار و اتحاد سیاف بتاء سی از میراث شوم فاشستی عبدالرحمن خانی از طریق شیعیان درباری (باند انوری، هادی، جاوید) در داخل حزب وحدت رخنه نمودند و یک چند نفری ایمان، سست عنصر و عقده را از صفوف بالای حزب وحدت خریدند و علیه منافع آرمانهای برحق ملت جان برکف مافراد دادند، آقاییون انوری، هادی و جاوید، محسنی از حرکت اسلامی و محمد اکبری، سید فاضل و مصطفی کاظمی از مدتها قبل زمینه های اصلی قاعده های چنداول کارته سخی، افشار، منطقه غرب کابل و غیره را که پایگاههای اجتماعی و نظامی حزب وحدت بودند، با حنگهای تحمیلی توسط جلادان ربانی، مسعود و سیاف مساعد نمودند با وصف آنهم در تعیینات و انتخابات دموکراتیک حزب وحدت، باندهای ربانی و مسعود و سیاف بسیار سرمایه، پول و تیرو مصرف کردند تا نوکران زر خرید خویش، آقاییون اکبری، فاضل، کاظمی و یاران شان را در راس حزب وحدت نصب نمایند که به شکست سختی مواجه گردیدند و دشمنان بخون تشنه ملت خون آلود ما با هم بمنزله مقصود شیطانی خودها نا شیل نشدند، اینبار شورای نظار و اتحاد سیاف با تطبیق پروژه خائنه اپراتیفی باند انوری، محسنی، جاوید، هادی و اکبری، فاضل، کاظمی را با امکانات تسلیحاتی، پولی، ارتباطی، نیروهای نظامی و خرید قوماندانها سازماندهی نموده و بتاريخ ۲۳ سنبله ۱۳۷۳ از داخل غرب کابل شیعیان درباری نامبرده و جلادان مسعود و سیاف مشترکا از خارج غرب کابل به مواضع ورهبریت محبوب حزب وحدت و مردم بیدفاع غرب کابل هتزرگونسه یورش آوردند که تلفات جانی و مادی بیشمار را بر توده های ماتمزده غرب کابل و حزب

... حزب وحدت اسلامی از بدو تأسیس خود، در تاریخ نظامی، سیاسی و فرهنگی کشور اثرات و حماسه های فراموش ناشدنی را بجا گذاشته که بصورت عینی بمشاهده میرسد.



وحدت وارد کردند ، حزب وحدت اسلامی با وجود تحمل دشواریها ، مظلومیتها و خسارات وارد شده و جبران ناپذیر از ۲۶ جنگ تجاوزگرا و تحمیلی شورای شرارت پیشه نظار ، مسعود و اتحاد سیاف بر خود مردم داغ دیده شهر کابل ، درین آزمون پرافتخار و نیز پیروزیهای عزت آفرین را بر تمام دشمنان متجاوز و شیعیان خریده شده درباری بدست آورد این شکست شرم آور تاریخی ، زیاد ترکیب لاحت ، خشم فاشستی دشمنان زبون ملت ما را بشیوه حنون آمیز و وحشت انگیز بر انگیخت و با تاکتیک های شیطانی تازه ، در سب ناپودی حزب وحدت و مردم ستمکش و ماتم رسیده مایزید گونه دست یازیدند ، باندهای ربانی ، مسعود ، سیاف با تمام امکانات نظامی که داشتند نتوانستند که طی سه سال گذشته حزب وحدت اسلامی را شکست دهند و بر عکس خود شکست شرم گین را متحمل شدند اما بایست اعتراف کرد که مناه سفاهه این مارهای آستین و این خود فروخته های درباری بودند که از داخل حزب وحدت و مردم جان بر کف حزب وحدت را ضربه پذیر نمودند و زمینه های عینی شهادت استاد مزاری قهرمان ملت افغانستان را تدارک دیدند ، همانطوریکه صد سال قبل چند نفر خائین از هزاره حات و مناطق شیعه نشین ، جنبش برحق هزاره حات را در برابر امیر عبدالرحمن خان جلاداز درون به شکست و تباهی کامل مواجه نمود ، این بار نیز از قماش همان خود فروخته گان مرتد از میان جامعه هزاره حات و شیعه نشین جنایت

گرفت و تمام جنبش مقاومت و خودجوش خلق های افغانستان در مجامع بین المللی صرفا " بنام و نشان تنظیمهای اخوانی تبلیغ و ترویج گردید در حالیکه در میان جنبش آزادی بخش ملی ما ، احزاب ، گروهها ، اتحادیه ، جمعیت های قومی ، اسلامی دیگر نیز وجود داشت که قبل از نفوذ روسها در کشور وجود عینی داشتند و علیه شوروی و دولت دست نشانده شان به مبارزات خویش ادامه میدادند ، درین زمان احزاب هزاره و شیعه ، بنابر پیوند های تاریخی همجواری ، فرهنگی دینی با سیل از مهاجرین و آواره گان افغانستانی روانه ایران شدند و ایران هم نتوانست که کمک های موثر را برای این احزاب بکند و نه هم کمک جهانی به مهاجرین مادر ایران صورت گرفت ، باز هم مردم ستم دیده و آواره ما بنام ایرانی گران زبان زد عام و خاص قرار گرفت و در اذهان جهان بر اساس طرفدار ایران احزاب و مهاجرین ماکاملا " منزوی شدند و از وقتیکه حزب وحدت اسلامی بر پایه اراده های مردم و نیاز شدید انقلاب ضد استعماری در میان تشکیل گردید و تبارز چشمگیر نظامی سیاسی و غیره را در داخل کسب نمود و در جهان تاثیر گذاشت ، باز هم مورد عطف توجه کمک و پشتیبانی مردمان گیتی و موسسات خیریه دنیای معاصر قرار نگرفت ، زیرا بحرم مذهب شیعه و هزاره در ارتباط ایران ، هرکی حزب وحدت شیعه و هزاره گفته ، حتی از دست آورد های انقلابی و نظامی ، سیاسی و غیره این حزب عملا " چشم پوشی صورت گرفت چه جائیکه دیگران همسنگی بشری و خیر خواهانه

اجتماعی خطوط مواصلاتی و ارتباطی دیگر ۰۰۰۰ نیز بوضع خیلی اسفناک و فقر در قلب کوههای صعب العبور ، دره های خشک و بی حاصل و آنهم بدون ارتباطات مواصلاتی جبرا " رانده شده اند که باشهرها و جهان خارج نتوانست تماس حاصل کند ، این وضع بنوبه خود هزاره حات را از تمدن ، تکامل اجتماعی ، اقتصادی و غیره قطعاً " تابه امروز محروم نگه داشت و نیروها مولده آن نیز عاطل و باطل گذاشته شد ، با تجاوز نظامی روسها ، بمبارانها ، مین گذاریها و جنگهای فرسایشی در تمام نقاط کشور ، شیرازه و بنیاد اقتصادی و اجتماعی مملکت و بالاخص مردم در هزاره حات با بدترین وضع اقتصادی و غیره روبرو شد و مرگ مطلق به در هر خانه نزدیک گردید ، عمده ترین نیروهای جوان و مجاهد مادر خدمت انقلاب آزادی بخش علیه دشمنان قرار گرفتند و قوای بشری پیر تر غرض زنده ماندن خانواده های شان آواره پاکستان و ایران گردیدند ، اطفال ، پیر مردان و زنان در فقر در هزاره حات ناچار باقی ماندند مهاجرین مناطق هزاره حات بصورت قطعی از کمک های خارجی در پاکستان باز هم محروم گذاشته شدند ، این مردم بی سرنوشت و غمبار لاجرم با مشقت تمام و تلفات جانی آواره ایران گردیدند .

زمین های آبی ، للمی ، و علف ، چراگاهها در هزاره حات از استفاده باز ماندند و مصرف موی سفیدان ، زنان و اطفال ناچاراً " بالای زمین های زهر آلود و مین گذاری شده مصروف کاری شدند که ازین ناحیه مردم مانیز تلفات جانی

... نیروهای استعمار گر وقت و ارتجاع منطقه هر کدام از قضیه کشور برداریهای بخصوص و فراوان را بردند و در واقع امر ملت افغانستان قربانی هرکس و ناکس شد...

ملی را بر پیکر ملت بسوگه نشسته ما وارد آوردند و بدین طرز روح دشمنان دین و ملت را شاد نمودند صد هانفرین باد به دشمنان ملت ۱

هشتم - عدم مدافعین بین المللی :

درست از وقتیکه مسئله افغانستان و تجاوز نظامی ارتش سرخ روس در جهان مورد توجه خاص قرار گرفت ، نیروهای استعمارگر وقت و ارتجاع منطقه هر کدام از قضیه کشور وجود ملت و مقدرات مابهره برداریهای بخصوص و فراوان را برد ، در واقع امر ملت افغانستان قربانی هرکس و ناکس شد که این سیاست زهر آلود و کشنده حال بشکل دیگر در کشور ما ادامه دارد ، در راستای استراتژی پیر انگلیس و همراهانش کلیه امکانات نظامی اقتصادی ، فرهنگی ، آمریکا ، اروپا ، اعراب و باقی دول در خدمت احزاب پیشاور نشین قرار

را در قسمت آواره گان مادر ایران و حزب وحدت و مردم غرب کابل در افغانستان ابراز داشته باشد ، این طرز العمل آگاهانه و عمدی که درباره حزب وحدت اسلامی و مردمانش بطور عملی صورت گرفت مردم ستم دیده تاریخ و حزب پرافتخار آنرا از پشتیبانی جهانی موسسات خیریه و رضا کار جهان کاملاً " محروم ساختند و مدافعین بین المللی برای حزب وحدت پیدا نشد که این امر بنوبه خود بالای مردم و حزب وحدت اثر منفی گذاشت ، حزب و مردمی که مبلغین و مدافعین غرض و مرض بین المللی را در عقب خویش نداشتند باشند با مشکلات عدیده و چشمگیر روبرو خواهد شد .

نهم - عدم توانائی اقتصادی هزاره حات :

معلوم است که هزاره حات طی چند قرن اخیر ، نه تنها از نگاه سیاسی عمداً " تحریف گردیده بود بلکه از لحاظ اقتصادی ، فرهنگ

بیشمار ارتکب شدند ، صنایع دستی تولیدی طبیعی و عنعنوی هم کاملاً " نابود شدند و کمک های بین المللی هم بنابر سیاستهای خاص و حاکم هر منطقه در هزاره حات عقب گذاشته شده صورت نگرفت و فقر کامل بدین سرزمین مستولی گشت ، لذا روی ملحوظات ذکر شده و عوامل دیگر ، هزاره حات قادر نگردید که پشتوانه اقتصادی خوب برای حزب وحدت گردد و این وضع هم در جایگاه اش تاثیرات منفی فراوان را بر حزب وحدت اسلامی افغانستان وارد آورد ، ولی با آنهم حزب وحدت با جوهر ایمان و ماهیت ذاتی وطن پرستی خود با دست خالی وارد میدان حق علیه باطل گردید و از غنیمت گرفتن اسلحه دشمن سه تنها جنگ رهایی بخش ملی را برضد متجاوزین



گزیده از سخنان استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی

در تاریخ ۹/۸/۱۳۷۴ محترم استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی ضمن صحبت با دوستانه با مردم مسلمان علاقه داری شیب جزئیات پیروزی نیروهای ضد فاشستی در بامیان پروان مواضع حزب وحدت اسلامی در قبسال حوادث و جریانات سیاسی کشور و نیز مسئولیت های ملی و اسلامی مردم را مفصلاً توضیح دادند معترفاً استناد خلیلی نخست صحبت های خویش با ابراز سپاس از همدردی آگاهانه مردم شیب، پیروزی چشمگیر مدافعین عزت و شرف مردم را مهون زحمات و فداکاری های همه مردم و وزندگان دانسته و بر یگانگی رابطه حزب و مردم تاکید کردند و گفتند یکی از افتخارات و سربلندی های حزب وحدت این است که متکی به حمایت بیدریغ مردم خود بوده و معتقد است که از هم گسیختن این بین رابطه باعث مرگ و نابودی حزب میگردد.

ایشان افزودند، اتکا حزب وحدت به مردمش و نیز حمایت مردم از این حزب واقعی است که همه دوستان و دشمنان مردم ما به آن اعتراف دارند، در غرب کابل مقاومت بینظیر و فراموش نشدنی مردم بود که حماسه های جاودانی را به تاریخ سپرد و برای همه جهانیان ثابت کرد که حذف و نادیده گرفتن این مجموعه بزرگ و قدرتمند انسانی در افغانستان ممکن نیست، دبیرکل حزب وحدت اسلامی در قسمت دیگری از سخنان خویش با اشاره به فاجعه سقوط غرب کابل و تاثیرات منفی آن بر ذهنیت های عامه یاد آوری کردند که پس از این حادثه دلخراش و کمر شکن تحلیل دوستان و دشمنان ما آن بود که بارفتن استاد مزاری — سمبول آرمانها و آرزوهای مردم ما نابود گردیده و تاریخ سیاسی آنان به پایان خود رسیده است اما حوادث بعدی و مخصوصاً "رشادت فرزندان شام مردم در امر دفاع از ولایت بامیان و شکستن تمام حبه و امکانات نظامی و تسلیحاتی دشمن بار دیگر قدرت و نیروی بی پایان مردمی را نشان دادند که مصمم اند از هستی و عزت خود دفاع نموده اجزای زده ندهد که تاریخ گذشته بالای شان تکرار گردد، ایشان آگاهی مردم ریسمان بدوش هزاره حات را مورد تمجید فراوان قرار داده — گفتند، این محرومین و این ریسمان بدوشان اکنون تصمیم گرفته اند که سرنوشت شانرا خود شان تعیین کنند و اجازه ندهند که کسی دیگر برای شان تصمیم گیرنده باشد و اینها را تحقیق کنند در قسمت دیگری از سخنان خود فرمودند :

که در جنگ بامیان نقش مشترک خائنین و دشمنان مردم، پیشگام شدن انوری و اکبری را به خاطر قتل عام و نابودی ملت حادثه فراموش نشدنی خوانده آنها را بیگانه از مردم دانست توضیح دادند: وقتی ما اینها را بیگانه میگویم بدین معنی است که آنها خارج از جمع مردم ما هستند و دلیل ما این است که اگر کسی احساس مردمی و شیعه گی داشته باشد چنین کاری را نخواهد کرد و پیشقراول شرارت پیشه گان شورای نظارت و اتحاد سیاف بسوی هزاره نخواهد شد.

محترم استاد خلیلی عقب راندن دشمن را از استحکامات مجهزان در بامیان تحول بزرگ و تاریخی خوانده اهمیت آن شرایط ویژه کنونی مورد تاکید قرار داده و خطاب به مردم و مدافعین سرافراز حزب وحدت اسلامی گفتند: من ضمن اینکه بر بازوان پرتوان شما مجاهدین، فرماندهان، صاحب منصبان و تفنگ بدوشان بوسه میزنم و بر خود میبالم این نکته را نیز صریحاً اعلام میکنم، پیروزی اخیر کمک و یاری خداوند لا یزال شامل حال همه مردم گردیده و زخم های مردم داغدار ما پس از شهادت استاد مزاری دوباره التیام یافته است، با این پیروزی مانده تنها سنگرهای نظامی بلکه همه سنگرهای راکه پس از فاجعه بزرگ غرب کابل از دست داده بودیم فتح کردیم و در اختیار مردم خود قرار دادیم امروز مهاجرین ماچه از آمریکا و چه از اروپا و چه از کشورهای عربی و چه از ایران، پاکستان و سایر جاهای ما من تماس تلفونی گرفته از عظمت که این پیروزی برای مردم ما در هر جا خلق کرده است بر خود میبالند و آن را تبریک می گویند و به تمام شام مردم و مدافعین عزیز شهادت میفرستند.

دبیرکل حزب وحدت اسلامی گفتند: من امروز به طور عریانی میگویم که آرزوی مادر تمام این مدت فقط همین بود که روزی مردم خود را در کنار سایر اقوام و ملیت های کشور در فضای برادر و برابری مشاهده کنیم این آرزو، آرزوی رهبر شهید مامزاری بزرگ بود و من امروز از اینجانب از زبان همه شام مردم خطاب به استاد مزاری شهید میگویم که: ای مزاری بزرگ تمام سربازان و فرزندان امروز آرزوهایت را برآورده کرده اند و آرمان تو را تحقق بخشیده اند، تو رهبر این مردم هستی و ما همه سربازان تو هستیم و جز تو هیچکس نمیتواند رهبر این مردم باشد.

محترم استاد خلیلی افزودند: من همانطوریکه در مزار هم گفتم، حالا هم میگویم که رهبر مردم...

ما استاد شهید است او هم در زمان حیاتش رهبر ما بود و هم پس از شهادتش مردم خود را رهبری میکند ما از روح بزرگ استاد شهید الهام می گیریم ما همه عسکرهای آن مرد بزرگ شاملست قهرمان هستیم.

در ادامه بیست و یکمین تاکید بر زنده و ناظر بودن روح رهبر شهید در میان مردم، پیرامون نقش عاملین خیانت در فاجعه غرب کابل مفصلاً صحبت کردند، ایشان در قسمتی از بیانات خویش فرمودند: در مجموعه قضایای تلخ و ناگوار که بر مردم ما تحمیل گردیده است خیانت عناصر مزدور و واخنین هرگز فراموش نخواهد شد چهره آنها بیکیه به مردم شان پشت کردند آنها بیکیه در زمان حیات رهبر شهید علیه این مردم توطئه کردند و در کنار شورای نظارت اتحاد سیاف قرار گرفتند و زمینه سقوط غرب کابل و شهادت استاد شهید را فراهم کردند هیچکس از یاد مردم نخواهد رفت، آنها با خیانت خویش لکه بی راد تاریخ مردم ما ایجاد کردند که تا بد باقی خواهد ماند.

دبیرکل حزب وحدت اسلامی در قسمت دیگری از سخنان گفتند: موج آگاهی بی که امروز در میان مردم ما مشاهده میشود آینده خوب و روشنی را برای ما نوید میدهد و من یقین دارم که در پرتو این آگاهی، تجارب تلخ مردم ما از عاملین خیانت های کنونی در آینده تکرار نخواهد شد، امروز صدایی که از حلقوم مردم ما در اینجا بلند میشود بلافاصله در دورترین نقطه دنیا و در همه کشورهای پانین می اندازد و برادران شمالی و صدرا دنیال میکنند و بهمین خاطر است که ما به آینده روشنتر از امروز و فردای — بهتر از امروز امیدوار هستیم.

استاد خلیلی افزودند: در گذشته غلست رنج ها و مرارت های مردم ما این بود که دارای چنین همبستگی نبودند و هم از عاملین اصلی خیانت و جنایت بخوبی آگاهی نداشتند در حالیکه در هر زمانی که مقاومت شام مردم شکسته است بخاطر وجود دشمنان داخلی بوده که از درون جامعه شام نوکریگانه شده اند، در دوران عبدالرحمن جابر اگر نگاه کنیم، می بینیم که لشکریان بی رحم دشمن در جنگ رویا رویی نتوانستند که سنگرهای مقاومت شما را اشغال کنند ولی وقتی که عناصر ضعیف النفسی را در اختیار خود گرفتند که از پشت شمارا خنجر زدند و از داخل جامعه تان برای دشمن جاسوسی کردند مقاومت شما را شکست دادند و حالا هم من باطمینانی که از آینده برای تان میدهم باز هم از شما میخواهم که متوجه

... کسی که از مردم خود جدا شد، سرنوشتش همراه با ذلت است.



خاینین داخلی باشید و بدانید که در هر شرایطی که دشمن بخواهد شمارا ضربه بزند، توسط دشمنان داخلی تان است، این خاینین داخلی هستند که در خدمت بیگانه ها قرار میگیرند و باناموس وعظمت و سربلندی و افتخارات شما بازی میکنند.

دبیرکل حزب وحدت اسلامی افزودند: امروز من خدایا سپاس میگذرام که مردم ما به آن خدی از آگاهی رسیده اند که چهره های خائنین را می شناسند و ماهیت آنها را بخوبی می دانند و در برابرشان ایستاده اند، امروز خائنین این مردم یک مشت بیگانه از مردم ما شده اند که زن و مرد غرب کابل و مجموع هزاره جات به آنها نفرین می فرستد ما کسانی را سراغ داریم که خود را به این منطقه و آن منطقه رساندند و بالاخره ذلیلانه به دامن ارباب خویش برگشتند کسی که از دامن مردم خود جدا شود، سرنوشتش همراه با ذلت است و خداوند آن روزی را پیش نیاورد که حزب وحدت از مردم خود جدا شود، افتخار حزب وحدت همین است که متکی به مردم خود است و به هیچ کشور خارجی وابسته گی ندارد و در برابر هر کشور و هر سیاست خارجی بی که به مردمش توهین و تحقیر و اذیت می آید.

این توان را چه کسی به ما داده است؟ این قدر و توان وعظمت را چه مرجعی به ما داده است؟ بدون شك این توان و قدرت را شما مردمی داده اید که دست های پر آبله و چهره های ترکیده لباس های پینه بسته تان گواه بر مظلومیت تان است، شما مردم با همه مظلومیت خویش وقتیکه پشت این جریان و این حزب هستید مانند این است که ما به کوه متکی باشیم و با انکابه همین حمایت است مادر برابر سیاست های غیر معقول و غیر واقع بینانه هر کشور ایستاده ایم و با افتخار عمل میکنیم و همانطور که استاد شهید فریاد زد، من هم به عنوان یک عضو کوچک در شورای مرکزی حزب شما فریاد میزنم که ما عاشق قیافه هیچ کسی و هیچ جمعی نیستیم و با هیچ کشوری پیمان خاص نداریم، موقف و آرزوی ما فقط سربلندی وعظمت شما مردم است، هر کشوری که به شما مردم احترام و برای شما عظمت قایل شود، ما با آن کشور دوست خواهیم بود، هر جمعی که بیاید و برای مردم ماحق و جایگاه مشخص آن را مد نظر گیرد ما با آن جمع دوست خواهیم بود، چیزی که سیاست ما را در صحنه های ملی و بین المللی تعیین میکند جایگاه سیاسی واجتماعی و سربلندی شما مردم است و هر کسی که کوچک ترین توهین بشما و به سرنوشت شما مردم نماید، چه کشور خارجی باشد و چه دسته ها و حلقه های داخلی باشد مادر برابر آنها قاطعانه مقاومت خواهیم کرد و تا حال هم

آنطوریکه شما در جریان هستید مقاومت کرده ایم.

استاد خلیلی در قسمت دیگری از صحبت های خویش با تاکید بر کارهای منظم و تشکیلاتی مرحله کنونی مبارزه مردم ما را مرحله ویژه ای خوانده داشتن تشکل سیاسی ونظامی نیرومند را تضمین گر آینده بهتر و مطمئن تر قلمداد کردند، ایشان پشتیبانی مردم از این تشکل سیاسی ونظامی را نشانه رشد آگاهی و شعور سیاسی آنان دانسته اظهار امیدواری کردند که این پشتیبانی در آینده هاجدی تر و آگاهانه تر از قبل ادامه پیدا کند.

استاد خلیلی در آخر سخنان خویش مردم را متوجه امداد ها و کمک های غیبی خداوند (ج) نموده لطف و یاری پروردگار را عامل عمده نصرت و پیروزیهای اخیر دانستند و مردم را تشویق نمودند که در همه حال جز به رضاورغبت خداوند نیندیشند و از الطاف بی پایان او ناامید نگردند.

گزیده اخبار ولسوالی های بلخاب، سانچاک و دره صوف پاکسازی شد

قره قوماندان بابیست تفراز نیروهای نظامی اش به اسارت درآمد.
شش تن از قوماندانان مشهور به نیروهای ضد فاشستی پیوستند.

در اثر عملیات جانبازان رهروان رهبر شهید عبدالعلی (مزاری) که بتاريخ ۱۷ ار ۸۰ ۷۴ صورت گرفت نیروهای فاشستی و عمال تشیع درباری از سه ولسوالی بلخاب، سانچاک و دره صوف عقب رانده شده و تمام تجهیزات و امکانات نظامی آنان به دست مدافعین مردم افتید.

گزارش می افزاید که در این عملیات پیروزمندان تمام نیروهای ضد فاشستی ولایات جوزجان سمنگان اشترک ورزیده و بارمزه های مشترک نقاط ستراتژیک دشمن را مورد حمله قرار دادند و پس از سه روز جنگ شدید موفق گردیدند که تمام این ساحات را از وجود نیروهای فاشتی تصفیه نمایند طبق این گزارش در جریان عملیات یک تن از قوماندانان مشهور دشمن بنام قره قوماندان بابیست تفراز نیروهای نظامی اش به اسارت درآمدند و نیز شش قوماندان دیگر بنام های میثم، عبدالحمید، اکبری، رحیمی احمدی و رضایی بانیر و ها و امکانات دست

داشته خویش به صفوف نیروهای ضد فاشستی پیوستند، لازم به تذکر است که نیروهای ضد فاشستی ولایات سمنگان، جوزجان و بلخ عملیات های اخیر خویش را تحت عنوان رهروان رهبر شهیدان سجام و تشخیص بخشیده اند.

نهایم جبهه فاشستی در شیخ علی به شکست انجامید
در جریان این حمله ناکام، یک چین تانک تی ۵۵، یک پایه زیو و مقدار زیادی اسلحه خفیف بامهمات آن به تصرف نیروهای ضد فاشستی درآمد.

تهاجم شدیدی، جبهه فاشستی در ولسوالی شیخ علی که با پشتوانه بمبارانهای هوایی همراه بود به شکست انجامید و دشمن با تحمل تلفات و بر جای نهادن مقدار زیادی تجهیزات و امکانات نظامی و اداریه عقب نشینی گردید. گزارش می افزاید در این حمله که روز ۲۳ ار ۸۰ ۷۴ صورت گرفت نیروهای تازه نفس جبهه فاشستی از جبل السراج و چاریکار نیز اشترک ورزیده و از اولین ساعات صبح الی نیمه های ظهر جنگ شدید در جریان بود سرانجام در اثر مقاومت مدافعین ضد فاشستی به شکست مواجه شده و با بر جای نهادن تلفات و ضایعات فراوانی عقب نشینی کردند طبق این گزارش در جریان این حمله ناکام یک چین تانک تی ۵۵ و یک پایه زیو و مقدار زیادی اسلحه خفیف بامهمات آن به تصرف نیروهای ضد فاشستی درآمد.

بمب قوی ای در سفارت مصر در اسلام آباد منفجر شد

روز یکشنبه ۱۹ ار ۱۱ ار ۹۵ م ساعت ۱۱ قبل از ظهر سفارت مصر در اسلام آباد توسط یک بمب قوی که در ماشین وانت جاسازی شده بود منفجر شد و تعداد ۱۴ کشته و تعداد زیادی زخمی بر جای گذاشت قرار اطلاع رادیو ها جماعت اسلامی مصر در قاهره تلفنی مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفته است.

آغاز حمله جدیدی توسط گروه طالبان در کابل
گروه طالبان حمله جدیدی را از طریق شرق و جنوب شرق کابل آغاز کرده اند و طبق ادعای طالبان چندین سنگر از نیروهای ربانی و مسعود را به تصرف خود در آورده اند و رادیوی ربانی تصرف طالبان را رد کرده و گفته که حمله آنها دفع شده است، دیروز ۲۹ ار ۸۰ ۷۴ کابل مورد بمباران هوایی قرار گرفته که چندین خانه مسکونی ویران شده که دولت مسئولیت این بمباران را بدوش طالبان گذاشت ولی نماینده طالبان تبلیغات ربانی را تلاش تبلیغاتی دانست.



نردبان گمراهی

درباری شدن تشیع محدود به عده علمای تشیع درباری نیست، این بلا بر سر هر (جامعه) و دانشمندی ممکن است پدید آید حتی محصل و دانش آموز در هر رشته، هنرمند شاعر، نویسنده و متخصص که دانش و مهارت خود را در مسیر برنامه های دربار و وقف کند مشمول این عنوان خواهد بود.

و بسیاری از دانشمندان فزیک و شیمی که در تسلیحات برنامه ریزی کرده و به قدرتها و مقاصد آنها کمک کرده اند و چه بسیار جاسوسان در گوشه و کنار دنیا به تحقیقات گسترده و عمیق مشغولند که نتیجه زحماتشان را به استخبارات و سازمان جاسوسی صهیونیزم میفروشند.

در حدیث نبوی ص آمده که (انذاریت العالم یخالط السلطان مخالطه کثیره فاعلم انه لئس: هرگاه دیدی عالمی را که با حاکم حشر و نشر و امیزش بسیار دارد بدانکه او راهزن است (عیار الشعر - تحقیق و تعلیق داکتر طه الحاجری چاپ قاهره ۱۹۵۶)

طوری که صاحبان قدرت برای فرارفتن به بام ایمان مردم احتیاج به نردبان از علماء سوء دارند و پرفیسر ربانی هم برای عبور به آن سوی خود کامگی خود و رسیدن به ساحل حسن ظن دینداران و شیعیان هزاره نیاز پیدا کرده و عده از علمای تشیع را بدربار خود راه داده است ولی پیش از رسیدن به آن بام سقوط خواهد کرد و پیش از رسیدن باین ساحل در امواج هوای رستی خود کامانه غرق خواهد شد.

آن نقش زشت و خیانت بار را که عده از شیعیان دربار خواسته یا ناخواسته آگاهانه یا از روی غفلت و ناآگاهی ایفا میکنند در نامه حضرت امام سجاد علیه السلام که خطاب به محمد بن مسلم بن شهاب زهری مینویسد میتوان تعبیر کرد "واعلم ان ادنی ما کتمت... الی آخر".

ترجمه (بدان که کمترین چیزیکه از حقایق پوشانندی و سبک ترین گناهی که بدوش کشیدی اینست که وحشت ستمگر را آرامش بخشیدی و با نزدیک شدن به او و پاسخ گوئی بدعوتش راه تباهی و گمراهی را برای او هموار ساختی آیا چنین نیست که وقتی ترا دعوت به همکاری یا قدرت ترا وسیله چرخش آسیاب های خود و پلی برای عبور از روی تو بسوی بلاهایشان و نزد بان بسوی گمراهی هایشان ساختند؟ تا بوسیله تو بر ضد علمای دیگر شک برانگیزند و دل های جاهلان را بسوی بیدارگران بکشند؟ نهایتاً الا یجاز و درایه الاعجاز فخرالدین رازی.

معیارهای آثار سو که امام روی آن تکیه کرده عبارتست از:

خاطر جمع ساختن ستمگر - جاده صاف کن برای ظالم، مدار و محور شدن برای جور حاکمان پل و نردبان پیش پای بیدادگران - مخدوش ساختن وزیر سئوال بردن علمای راستین کشاندن دل جاهلان بسوی ظلمه - و این هاهم کم خیانت نیست، در ظاهر این عمل نفع مالی و دست یازیدن به تنعمات معلوم میشود و در عمق آن دنیا طلبی و استفاده از مزایای قدرت و یافتن جاه و عنوان و اعتبار نهفته است.

گرچه جذب کردن از سوی قدرت ها و علمای پروری، پادشاهان و دربارها و یار و حانی سازی قدرتهای اخیر همواره و به شدت در افغانستان رواج داشته و دارد ولی آقای ربانی آیامیداند که اسلام پناهی در سایه چنین روحانیون فراهم خواهد شد؟

آیا مهار کردن خشم انقلابی ملت بایکبار گرفتن چهره های معروف دینی تسهیل خواهد گردید؟ آیا بر علمای و روحانیون فرصت نیست که مراقب باشند و درین گونه امور ساده اندیش و زودباور نباشند؟

چرا که قدرت ها گاهی مستقیم و زمانی غیر مستقیم باین هدف میرسند و ضربه به عقیده و هدف و ایمان میزنند.

استخدام مذہب در جنگ بامذہب دیگر طرق گوناگون دارد یکی از آن طرق عالمان درباری و علم و دین فروشان میباشد یعنی آنانی که دین را بر دنیا میفروشند ولی مانباید به مسجد و تکیه خانه ساختن شان با ساده دلی نگریم ما جاه و جلال و اعتبار علمای در بساط دربار نباید بدیهه اعتبار دید زیرا که خدعه در کار است.

قدرتهای کاذب همیشه برای طرد گروهی یا جناحی یا کتمان حقی یا تبلیغ باطلی یا ترویج ظلمی یا ابراه انداختن تظاهراتی یا جلوگیری از مراسمی یا ادامه چند روزه قدرت خود از علماء وابسته بخود کاری گیرند، اگر از مهره ها و چهره های درشت عالمان نشد چهره رده دوم و اشخاص مذہبی رتبه چندم اکتفا میکنند - اگر از علم و شخص علمانشد سوء استفاده از لباس و عمامه و دستار و قیافه گیری اهل علم استفاده میکنند اگر بصورت رسمی و مزدوری نشد حتی به سکوت و دم بر نیاروند تا تسلی می جویند در افغانستان ما بودند علمای که علمشان به نفع مقاصد طاغوت بکار رفت و هستند علمائیکه بنام تشیع و اسلام - جامه پوشند رنگ رنگ و باده نوشند سرخ سرخ - گرچه ممکنست اراکین تشیع درباری شعار دهند که تقرب به قدرت بخاطر خدمت

به تشیع و مردم محروم ملت است و یاباز داشتن دست ستم از سرمستضعفین است این حرفیست بظاهر خوب ولی در باطن چه فریبنده است برای اشخاصیکه به جامعه و شرایط فعلی میهن پی نمی برند، هوشیاری - اجتماعی ندارند و از کیاست سیاسی بی بهره اند آنها نمیدانند ولی ما میدانیم اینگونه دام هایانام های گوناگون که گسترده شده و عامل افتادن در تور شکار صیادان همان ساده لوحی و خوش باوری ها و حسن ظن های نابخوابده است - پایان

بیت نظری برگزیده و آینده افغانستان

لیکن قضیه برعکس شده و هر روز تنفر مردم افغانستان از پاکستان زیاد شده میروند تا حد که حمله بالای سفارت پاکستان یکی ازین عکس العمل هامیباشد و گفته میتوانیم که در رابطه با طالبان در آینده معلوم نیست که این روابط دوستانه باقی خواهند ماند یا نه؟ نویسنده مقاله در اخیر اظهار نظر میکند که دولت مردان حکومت پاکستان در سیاست های خود در مسایل افغانستان باید اعتماد مردم - پاکستان را جلب نماید و با مشوره مردم پاکستان در افغانستان تصمیم بگیرد و همان پالیسی که بنفع هر دو کشور است اتخاذ نماید.

ختم

بقیه از انگیزه های شهادت استاد مزاری و...

روسی - دولت وطن فروش وقت و فاشستان نو خاسته مسعود، ربانی و سیاف پیر و زمندانه به پیش برد بلکه رشادت های قهرمانانه و حماسه های ویژه را درین مقطع حساس تاریخ معاصر کشور کسب نموده و برای نسل پیشتاز و پیام آوران راه آزادی و عدالت بمیراث گذاشت خلاصه عدم توانائی اقتصادی هزاره جات در ضمن تمام عوامل دیگر، دست بدست هم داده حزب وحدت را بی پشتوانه در میدان محاصره های دشمنان گوناگون قرار دادند حزب وحدت تاکنون با همین گونه مشکلات - دست و پنجه نرم میکند خصوصاً که باندهای شرارت پیشه نظار، اتحاد سیاف به همدستی شیعیان درباری و خود فروخته هم اکنون جنگ را از غرب کابل به هزاره جات تحمیل نموده و سیاست عبدالرحمن خانسی را باز هم در مناطق هزاره جات تکرار میکنند در عقب یک تشکیل سیاسی که زیر بنای اقتصادی و تولیدی مستحکم و دوام دار موجود نباشد حیات و تداوم فعالیت آن به مخاطره جدی مواحه میگردد.



استاد عرفانی معاون اول

دبیرکل حزب وحدت اسلامی

طی مصاحبه با استاد تبلیغی رهبر شهید

ما خواهان حکومتی هستیم که در آن تبعیض انحصار طلبی، خود محوری ونفی دیگران نباشد.

حسب گذارشات واصله استاد عرفانی طی مصاحبه بی جزئیات پیروزیهای اخیر مدافعین مردم در برابر نیروهای فاشیستی تلاشهای صلحجویانه در رابطه با حل قضایای کشور، تفاهم گروههای مخالف حاکمیت فاشیستی وغیره را شرح دادند.

ایشان در مورد عملیات پیروز مندانان حزب وحدت اسلامی گفتند: قبلاً "عملیات متعددی برای آزادسازی بامیان صورت گرفته بود ولی آخرین عملیات به تاریخ ۲۳، ۲۷، ۱۳۷۴ آغاز و منجر به پاکسازی کامل این شهر گردید و ویژه گی این عملیات در آن بود که رمزهای گروهها و جبهات اطراف بامیان با آیات قرآن کریم تعیین شده و در آن همه نیروها با آخرین تصمیم خویش امدادی گرفته بودند که بفضل خداوند پس از سه روز جنگ شدید تمام مناطق پاکسازی و دشمن بابر جای نهادن تلفات سنگین و تمام تجهیزات و امکانات نظامی ولوژیستیکی خود و ادار به عقب نشینی گردید، فعلاً آخرین خط نیروهای مدافع مردم در آخرین نقطه شیخ علی میباشد و در همان نقطه الی هدایت بعدی مقام فرماندهی کل قوا در حالت توقف بر سر می برسد.

محترم استاد عرفانی بر حل قضایای کشور از طریق صلح آمیز تاکید کرده اصرار حاکمیت فاشیستی بر ادامه جنگ و انحصار را عامل تمام فاجعه های کشور خواندند، ایشان در مورد راه حل عادلانه برای ختم مشکلات کشور گفتند: ما با تاکید بر مشی انسان دوستانه اعلام میداریم که اشتراك تمام اقشار و ملیت ها در ساختار حکومت آینده مهمترین اصل میباشد یعنی خواهان حکومتی هستیم که در آن تبعیض، انحصار طلبی خود محوری ونفی دیگران نباشد و همه احزاب و قوت های سیاسی بر اساس نیرو و نفوذ خود سهم مساوی داشته باشند، حزب وحدت اسلامی تلاشهای نماینده سازمان ملل برای ایجاد یک حکومت فراگیر حمایت میکند، اما تاکید میکند که این تلاشها باید با در نظر داشت واقعیت ها و قدرت های موجود در کشور باشد در غیر آن به هیچ نتیجه بی نخواهد رسید.

محترم استاد عرفانی در مورد روابط حزب وحدت اسلامی با گروههای مخالف حاکمیت فاشیستی گفتند که ما با تمام این گروهها در حال تفاهم و حل مسایل خود میباشیم در رابطه با گروه طالبان نیز ما شرایط خاص خویش را مطرح کردیم که از جمله آنها محکوم نمودن عوامل شهادت استاد مزاری از رسانه های بین المللی، سپردن قاتلین به محکمه اسلامی و آزادی اسیران بی گناه میباشد، گروه طالبان شرایط حزب وحدت را پذیرفته و برخی از آنها را اعلام هم کرده است ولی هنوز گام های جدی در راستای تحقق این شرایط برداشته نشده و امیدواریم که در آینده نزدیک تمام مسایل حل و فصل گردد.

موسفیدان و متنفذین علاقه داری شیبر با استاد خلیلی

بتاریخ ۲۴، ۲۸، ۲۹ جمعی از مردم مسلمان وشجاع علاقه داری شیبر ضمن حضور در مرکز حزب وحدت اسلامی با محترم استاد خلیلی دبیرکل وسائر اعضای شورای مرکزی وفرماندهان حزب وحدت اسلامی دیدار و گفتگو نمودند. گزارش می افزاید که طی این دیدار موسفیدان علاقه داری شیبر با تبریک گفتن پیروزی فرزندان مدافع مردم در امر پاکسازی ولایات بامیان و پروان از دیدار خویش بارهبریست حزب وحدت اسلامی اظهار شادمانی نموده حمایت و پشتیبانی خویش را از آرمانهای ملی واسلامی حزب وحدت اسلامی اعلام داشتند طبق این گزارش نمایندگان مردم مسلمان شیبر شکست دشمن را در بامیان سر آغاز یک تحول بزرگ پس از فاجعه غزب کابل؟ شهادت رهبر شهید دانسته یاد آوری کردند که پس از این پیروزی مدافعین مردم، چهره های خیانت و جنایت در هزاره جات کاملاً "افشا" و دسیسه های ضد ملی حاکمیت غیر قانونی کابل نابود گردیده است.

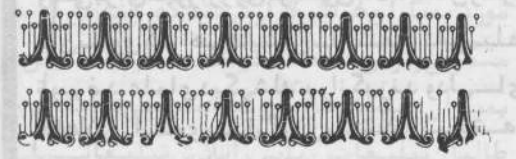
لازم بتذکر است که در جریان این دیدار محترم استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت ۰۰۰۱ با تقدیر از همکاری های بیدریغ مردم شیبر در جریان تصفیه و پاکسازی دشمن و عمال مزدوران پیرامون اوضاع سیاسی، نظامی کشور مواضع حزب وحدت اسلامی و مکلفیت های مردم مفصلاً صحبت نمودند.

تقدیر نامه استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی عنوانی مردم جاغوری:

ملت شهید پرور و مردم دلیر و لسوالی جاغوری و منطقه دهمرده گلزار السلام علیکم. و بعد از پیروزی های چشمگیر اخیر و فتح ظفر مندان شهر باستانی بامیان را برای کافه ملت مسلمان و مردم بیدار و لسوالی جاغوری و شما مردم قهرمان و همیشه در صحنه تبریک و تهنیت عرض مینمایم. و نیز شهادت غرور آفرین و افتخار آمیز فرزندان صدیق و عزیز شما مردم از جمله برادران شهید عبدالله، شهید محمد (رضائی) و شهید رمضانعلی چنگیزی را برای شما تبریک و تسلیت عرض مینمایم. برادران عزیز و بزرگوار ۱ سرانجام وعده الهی مبنی بر اعطای پیروزی به مستضعفان تحقق یافت و دشمن زبون شکست سختی را متحمل شده تلفات و ضایعات چشمگیری را پذیرا شده اند.

در این میان لازم است از نقش شما مردم بیدار غیور، شرافتمند و ایثارگر در طول تاریخ شهریار و سراسر افتخار آمیز مقاومت خونین علمی و مذهبی بخصوص دفاع قهرمانانه ۹ سه سال و اندی چه در غرب کابل و چه در شهر باستانی بامیان بخوبی یاد نموده و از شما تقدیر و تشکر و کمال سپاسگزاری را بعمل آوریم. بحق شما مردمی بوده اید که پیوسته زندگی افتخار آمیز و سر بلندی داشته و هر از گاهی از حقوق و هویت ملی، سیاسی و مکتبی مردم بیدار بدفاع برخاسته و در خط اول مقاومت حضور داشته اید مهم اینست که درک نمایم امروزه حضور پر شکوه و در صحنه ها و گرم نگه داشتن سنگ مقاومت ها و رشادت ها و سلحشوری ها و بیداری و آگاهی تنه راه نجات و سرافرازی است و بایست حساسیت شرایط بخوبی درک نمایم که مناسب ترین فرصت طلایی برای احقاق حقوق ما است و تثبیت عزت و عظمت و هویت ملی، سیاسی و مکتبی ما، بهر حال در و خداوند بر شما مردم بیدار، آگاه و اندیشمند و قهرمان و در و خداوند بر ارواح طیبه شهدای گرانقدر بخصوص شهیدان والا مقام منطقه جاغوری که چنان اسلاف خویش از مردم و حقوق سیاسی واجتماعی آنان بدفاع برخاسته و مردانه در میدان ایستادند، در اخیر یکبار دیگر لازم میدانم برای روح شهدای عزیز علودر جات و برای خانواده های گرانقدر آنان صبر جمیل و اجر جزیل و برای مردم خود عزت و سر بلندی آرزو نمایم.

والسلام
دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان
عبدالکریم خلیلی
۲۵، ۲۷، ۱۳۷۴



خاطره از غرب کابل

قسمت اول

ملت مظلوم و ستمدیده هزاره و شیعه در طول تاریخ مورد بی رحمانه ترین مظلومی اجتماعی، مذہبی قرار گرفته که تاریخ افغانستان خود بیانگر این حقیقت تلخ می باشد و نقطه ی که باز هم تاریخ گواهی میدهد اینکه این مردم در برابر هیچ یک از ستم های قدرت حاکمه سر خم نکرده ، بلکه همواره بامبارزات قهرمانانه شان قربانی های عظیمی را به پیشگاه استقلال و تمامیت ارضی کشورشان تقدیم داشته و تاریخ این قربانی های عظیم مردم مارا نیز فراموش نکرده و فراموش نخواهد توانست .

ولی متأسفانه که نیروهای مغرض و انحصار طلب همواره کوشیده اند تا نقش اساسی مبارزات مردم مارا در روند کلی مبارزات کشور نادیده بگیرند و بر همین اساس در دوران جهاد چهارده ساله علیه نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق و مداخلات خارجی و اعمال شان در صفوف جهاد و یافت اجتماعی کشور مادر - تعیین سرنوشت و ساختار آینده مملکت و حتی سرنوشت اجتماعی خودشان نادیده گرفته شدند و همواره تصمیمات یکجانبه اتخاذ میگردد که همگان شاهد کیفیت مجلس مشورتی را ولپندی و توافقات ساختار حکومتی در پیشاور میباشیم خوشبختانه باز تجربه ثابت نمود حضور و موجودیت مردم مادر صحنه های سیاسی و جهادی کشور تمام توافقات و تصمیمات پشت پرده را باناکامی مواجه ساخته و این باور را بر همگی قبولاند که سانیکه در افغانستان خواستار یک نظام کامل و همه گیر میباشند نباید نقش موجودیت هیچ یکی از اقوام و مردم ساکن در افغانستان نادیده گرفته شود چنانکه مذاکرات و توافقات جلال اباد و اسلام اباد مؤید این ادعا است .

حقیقت روشن است که بد خواهان مذہب و مردم مارا هر طریقی که ممکن بود تلاش میکردند تا مردم مارا از صحنه مبارزات سیاسی چه در دوران جهاد و چه از دست آوردهای سیاسی بعد از پیروزی خذف نمایند و این حقیقت ملموس زمانی روشن تر شد که اولین کاروان جهادی به قبادت حضرت صاحب صبغت الله مجددی وارد کابل شد و به عنوان ممثل دولت اسلامی زمام امور را بدست گرفت و دومین کاروان آقای سیاف که بعد از ورود به شهر کابل بدون وقفه وارگ پغمان شده و تمام تسلیحات ثقیله خود

را بالای مناطق هزاره و شیعه نشین در غرب کابل عیار ساخت که در مجموع تقریباً سی صد سی جنگ را بر علیه مردم ما برآورد انداخت که در واقع این عمل آقای سیاف پرده برداری از نیات شوم و جنگ خواهانه او و حامیانش علیه مردم ما بود و سومین کاروان که وارد کابل شد پیر صاحب سید احمد گیلانی بود که همراه با این کاروان استاد محمد کریم خلیلی استاد حیات الله بلاغی و این جانب با عده از برادران وارد شهر کابل شدیم طوری که از قبل معلومات داشتیم که دفتر حزب وحدت اسلامی افغانستان بنا بر هدایت و دستور سر قوماندان اعلی استاد شهید در علوم اجتماعی جابحاشده است ، بنا به آنجا عزیمت نمودیم و در این برهه مشغله که برای ما خیلی ارزنده و امیدوارکننده بود و احساس پاک انقلابی فرزندان هزاره که با ورود ما از پلچرخی به علوم اجتماعی یکبار دیگر حضور همه گیرشان را در پرده استقبال از ما ظاهر نمودند هیجان برانگیز بود .



واقعا " برای همه ما کامل غرور و سربلندی بود که از چهره ، تک تک این جوانان قهرمان مردان و پیر مردان غیر و متدین هزاره نور قاطعیت ، تصمیم انقلابی و مسئولیت در برابر سرخوش شان میدرخشید که درخشش این نور هر لحظه و هر آن باعث میشد که اشک شوق در چشمان همگان ماحلقه زده و یکبار دیگر عملاً " وعلنا " اینگونه حضور انقلابی مردم ما در صحنه عدت کنترول داشتن بیشتر از نصف کابل که چگونه توانسته اند تا تمام محاسبات سیاسی مقررین و جهال را در رابطه بامسئله افغانستان برهم زند و میدیدیم که چقدر لذت بخش است ، هیچ کسی نمیتواند که دیگر با عقده ها و کینه ها دلیری شان این مردم محروم و مظلوم تاریخ را بانگاه توهین آمیز و تحقیر آمیز بنگرد .

خلاصه اینکه علوم اجتماعی مرکز تجمع شخصیت های علمی ، سیاسی و نیروهای جهادی

مردم هزاره و شیعه قرار گرفته و هر روز به تعدا این شخصیت ها افزوده میگردد تا اینکه اعلامیه پخش شد که (مزاری بزرگ) فرزند صالح قوم ، رئیس شورای مرکزی و دبیر کل حزب وحدت اسلامی و سر قوماندان اعلی وارد شهر کابل خواهد شد و دهها هزار نفر جهت استقبال از رهبر عالی قدر شان با کمال شوق آمدگی گرفته و با اشتیاق در انتظار ورود رهبر شان بودند - بالاخره روز موعود به سر رسید و حجت الاسلام والمسلمین مزاری بزرگ با بزرگ بینی خاص که خداوند (ج) برایش عطا فرموده بود از میدان هوایی کابل تا به علوم اجتماعی با استقبال بی مانند از طرف دهها هزار جوان مسلح ، علما و روحانیون و بزرگان هزاره به صف همزمان و هم پیمانان خودش پیوست ، بعد از اینکه شهید مزاری در علوم اجتماعی اقامت گزیدند حضرت صبغت الله مجددی رئیس دولت اسلامی درباره ترکیب حکومت و دولت که قبلاً " در پیشاور پاکستان حزب وحدت اسلامی

افغانستان نادیده گرفته شده بود بار رهبر شهید خواهان مذاکره و مفاهمه شدند که بعد از یک سلسله جلسات مقدماتی زمینه نشست رهبر شهید ما با حضرت صاحب صبغه الله مجددی رئیس دولت در قصر گلخانه ارگ ریاست جمهوری فراهم و عملی گردید و در اولین ملاقات بعد از پیروزی مجاهدین آقایان مولوی محمد نبی (محمدی) رهبر حرکت انقلاب اسلامی و جناب پیر سید احمد گیلانی رهبر محاذ ملی اسلامی که یک تعداد از اعضای شورای تصمیم گیری حزب وحدت اسلامی در کابل نیز حضور داشتند ابتدا آقای مجددی از این مجلس اظهار مسرت و اذعان داشت که بدون اشتراک برادران هزاره و شیعه هر حکومتی با هر ترکیبی که بوجود بیاید هیچ نوع وجه قانونی نداشته زیرا از لحاظ ترکیب اجتماعی ثلث افغانستان را برادران هزاره ماتشکیل میدهد .

آقای مجددی خواستار طرح رهبر شهید در رابطه با شمولیت و شرکت شان در دولت گردید ، از آنجائیکه خواسته و اهداف مزاری شهید تمام کشور و مردم افغانستان را در بر می گرفت و یگانه آرزوی شان تا زمین عدالت اجتماعی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور در یک چوکات حکومت اسلامی بود از اظهارات و پیشنهادات آقای مجددی قدر دانی نموده و بعد از بررسی جامع و کامل از جریانات و تحولات جاری کشور و همچنان انتقاد مثبت و دوستانه از عملکرد بعضی از رهبران جهادی و اکنشش شدید خویش را در قسمت مداخلات خارجی ها در امور کشور از خود نشان دادند ، ضمناً در خلال صحبت های جذاب و واقع بینانه اش یادآور -

شدند که جنبش ملی اسلامی افغانستان تحت قیادت جنرال عبدالرشید دوستم متحد حزب وحدت اسلامی افغانستان بوده و بدون شرکت جنبش ملی اسلامی در ترکیب حکومت هر طرفی مورد قبول حزب وحدت اسلامی نخواهد بود. درینجا نکته که نباید از خاطره‌ها فراموش شود جریان پی‌ریزی حکومت توسط رهبران جهادی در گورنرهاوس پیشاور پاکستان بود که در آن طرح موجودیت جنبش ملی اسلامی به هیچ صورت پذیرفته نشده بود و همچنان تصویب بعمل آمده بود که باشیعیان بعداً وارد مذاکره خواهند شد و این بود که بعد از تکمیل کابینه و اعلان حکومت در پیشاور با آقای محسنی توافق کردند که دو وزیر برایش بدهند و در مقابل آقای محسنی این عمل انجام شده رهبران جهادی را بادیده قدرنگریسته و از بخشش سخاوت مندانه !! آنان با گرمی و اشتیاق غیر قابل وصف قدر دانی نموده و حتی از رادیو بی‌بی‌سی که همگان شنیدیم اعلام داشتند از اینکه برای حرکت اسلامی دوزارت داده شده است دیگر هیچ اختلافی وجود ندارد و حرکت اسلامی بحق مشروع خود !! رسیده است خلاصه مطلب اینکه در جریان مباحثات و مذاکرات که استاد شهید با جناب حضرت صاحب مجددی داشتند با تحلیل درست و اساسی که از واقعیت‌های عینی و بافت اجتماعی کشور داشتند توافق شد که جنبش ملی اسلامی برسمیت شناخته شده و فیصله بعمل آمد که جنبش ملی اسلامی هم در کابینه هم در شورای جهادی دولت نمایندگان شان را معرفی بدارند بعد از طی این مرحله استاد شهید شمرط شمولیت حزب وحدت اسلامی افغانستان را در دولت مورد بحث قرار داده و پیشنهاد نمودند که سعی و تلاش ما بر این است که کارها بصورت اساسی ادامه یابد و در آینده اصطکاک بی‌وجود نیاید باید ترکیب حکومت ترکیب همه گیر و ممثل حضور تمام مردم در صحنه باشد که در قسمت پیاده شدن این طرح حضور حزب وحدت اسلامی در شورای قیادی شورای جهادی دولت کابینه با در نظر داشت وزارت خانه های کلیدی، ریاست دافغانستان بانك ریاست پوهنتون برسمیت شناختن مذهب مقدس جعفری و انتخابات در آینده بر اساس معیار نفوس و تجدید نظر در تشکیلات واحد های اداری ولایات و ولسوالی‌ها در سرتاسر افغانستان و غیره مسایل مهم اجتماعی و اداری کشور صورت گیرد که در نتیجه نظریات و فرمایشات استاد شهید که جناب حضرت در تمام موضوعات نظر مشابه داشتند مورد توافق قرار گرفت، هشت نفر از شورای تصمیم گیری در شورای جهادی دولت و آقای جنرال خداداد وزیر

امنیت ملی، داکتر عبدالواحد سرابی وزیر تجارت، انجنیر محمد یعقوب لعلی وزیر معادن و صنایع، سید اسحاق گوهری وزیر انکشاف دهات، غلام محمد بیلاقر رئیس دافغانستان بانك، سید امیر شاه حسن یسار رئیس پوهنتون کابل، بریاست دولت معرفی و از جانب رئیس دولت اسلامی افغانستان مورد قبول واقع گردیده و عنوانی هر یک فرمان ریاست دولت صادر و به تصویب شورای جهادی دولت رسید، همزمان با این توافق سه نفر در کابینه و پنج نفر در شورای جهادی از جنبش ملی اسلامی نیز پذیرفته شد، در دوران این مذاکرات و توافقات مخالفت‌های ربانی، مسعود و سیاف و شیخ آصف محسنی کاملاً مشهود بود ولی مخالفت‌ها و واکنش‌های آقای شیخ آصف از همه شدید تر بود و از اینکه به حزب وحدت اسلامی مطابق شعاع وجودی این حزب و مردمش حق و حقوقی قایل شده اند به خودشان توهین تلقی میکردند، بهر صورت از اینکه آقای مجددی حاضر شده بود تا شرایط حزب وحدت اسلامی را بی پذیرند مخالفت‌های مسعود ربانی و سیاف کاملاً اوج گرفته که حتی طیاره حامل ایشان را حین بازگشت از پاکستان در نزدیکی میدان هوایی کابل به راکت بستند و بعد از آن زمینه های جنگ‌های نظامی را علیه حزب وحدت اسلامی فراهم نموده و آنرا عملی ساختند و آقای مجددی نیز از این توطئه‌های خائنانه یاد آوری و حین انتقال قدرت به صراحت تمام این نقشه‌ها را بر شمرد و همچنان هشدار دادند که طرح‌های دیگر هم رویدست است تا موجودیت جامعه هزاره و تشیع افغانستان را از کابل حذف نمایند شاید اکثراً بیاد داشته باشند که مدت حکومت آقای مجددی طبق فیصله به اصطلاح رهبران جهادی در گورنرهاوس پیشاور دوما بعد از آن دوران حکومت آقای ربانی چهار ماه تعیین گردیده بود که در دوره دوم ماهه ریاست جمهوری حضرت مجددی قیمت‌های مواد ارتزاقی و محروقاتی و غیره ۰۰۰ به پائین ترین حد خود رسیده بود که بطور مثال یک بوری آرد صد کیلوئی به هشت هزار افغانی و یک پیت روغن شانزده کیلوئی یک هزار و پانصد افغانی و یک گیلن دیزل و پترول بیک هزار افغانی معامله صورت میگرفت و به وفور نیز یافت میشد و آرامش نسبی نیز در کابل و سایر نقاط افغانستان حکم فرما بود و مردم از وضع حکومت آقای مجددی راضی بنظر میرسید، روی این اساس تقاضاها و پیشنهادات زیاد از جانب مختلف مردم صورت میگرفت که حضرت باید بحیث رئیس جمهور افغانستان باقیمانده و از انتقال قدرت خودداری ورزد، قرار معلوم در صورتیکه آقای مجددی به درخواست مردم

جواب مثبت میداد و در قدرت باقی میماند حزب وحدت اسلامی و جنبش ملی اسلامی حمایت و پشتیبانی نظامی و سیاسی شان را اعلام میداشتند، اما جناب حضرت صاحب بخاطر اینکه تحت ریاست او مردم افغانستان از یست و آزار و قتل عام نگردد از قبولی باقی ماندن به قدرت سرباز زدند امانوعیت انتقال قدرت را با شورای جهادی دولت و اعضای کابینه اش مورد بحث قرار داد، شورای جهادی دولت که نماینده گان ده حزب در آن عضویت داشت فیصله نمودند که انتقال قدرت در یک جلسه مشترک شورای جهادی و شورای قیادی صورت گیرد که جناب حضرت صاحب بیانیه اختتام دوره دوم ماهه ریاست جمهوری اش را عنوانی شورای قیادی و شورای جهادی عیار کرده بود اما از اینکه آقای ربانی، مسعود و سیاف و شیخ آصف محسنی لحظه شماری میکردند که هر چه زود تر قدرت حاکمه در اختیار آنان قرار گیرد سخت در تلاش بودند که حضرت مجددی را قانع سازند که تنها انتقال قدرت را عنوانی شورای قیادی اعلام بدارد، خلاصه جلسه که مرکب از شورای جهادی دولت و بعضی از رهبران جهادی و کابینه بود در قصر گلخانه ارگ ریاست جمهوری بنام شورای قیادی ریاست دولت را تحویل داد.

آقای شیخ آصف محسنی بلا وقفه بدون اینکه حد اقل از شرم زمانه چند ساعت جهت مشوره شورای قیادی وقفه را اعلان بدارد و بیایند که علناً از یک تعداد در همان مجلس مشوره بخواهد خود را بحیث منشی شورای قیادی وانمود کرده عقد آقای ربانی را خواند و از ایشان بله گرفت.

بعد از اینکه آقای ربانی زمام امور را بدست گرفت عقده ها و کینه ها علیه مردم هزاره به شکل جدی تر و علنی تر با پشتوانه قدرت حاکمه تبارز نمود که جنگ‌های تحمیلی علیه حزب وحدت اسلامی براه انداخته شد و تمام توافقات حزب وحدت اسلامی با حکومت آقای مجددی صورت گرفته بود لغو گردید، و وزارت امنیت ملی به ریاست امنیتی ملی تنزل نموده و سایر وزرا فاقد هر نوع صلاحیت‌های اداری و شخصی شدند، با آنهم در برابر تمام این رویدادها و تحولات رهبری خرد مندانه استاد شهید باعث میشد تا تمام مردم ما در برابر آینده شان مطمئن باشند و وقتی مقاومت ماتحت قیادت رهبر محبوب شان هر چه بیشتر میشد عقده و کینه‌های دشمنان نیز شدت پیدا میکرد از اینکه مناطق وسیعی غرب کابل چندا و وزیر آباد تا یمینی و غیره تحت کنترل حزب وحدت قرار داشت و استحکامات

استاد خلیلی در مصاحبه با رادیو بی بی سی

در تاریخ ۱۲۷۴ خبرنگار رادیو بی بی سی مصاحبه داشت با آقای استاد خلیلی دبیرکل محترم حزب وحدت اسلامی در مورد تصرف کامل ولایت بامیان و قسمت های عمده ولایت پروان توسط نیروهای ظفرمند حزب وحدت اسلامی افغانستان که شرح آن بقرار ذیل می باشد.

در حالیکه جنگ در حومه کابل ادامه دارد تلاشهای آقای محمود مستری نماینده مخصوص سازمان ملل در امور افغانستان برای پیشبرد مذاکرات صلح جویانه نیز به موازات آن در جریان است در همین حال نیروهای حزب وحدت که اخیراً بامیان را از دست نیروهای دولتی در آورده اند میگویند ظرف چند روز گذشته مناطق شمبل، شیبیر، شیخ علی و سرخ پارسا در ولایت پروان را نیز تصرف کرده اند.

عبدالکریم خلیلی رهبر حزب وحدت اسلامی در گفتگوی تلفنی گفت: نیروهای حزب اوپس از تصرف این مناطق در کنار خاک مستقر شده اند و به پیشروی ادامه نداده اند.

س: از آقای خلیلی پرسیدم توقف پیشروی نیروهای شمانیجه مقاومت نیروهای دولتی بوده یا علت دیگری داشته است؟

ج: نه هیچگونه مقاومتی وجود نداشت تمام تجهیزات نیروهای دولتی در بامیان تا منطقه کنار خاک در اختیار مقرر گرفت آنها بسیاری افراد کم اش رانجات داده توانستند فقط جان خود را ولی مانخواستیم از او پیش روییم و مبارزها

گفته ایم که ما طرفدار جنگ نبوده ایم مناطقی که مربوط به مردم مابوده کلا آزاد کرده ایم و از این مناطق دفاع میکنیم و در موقع لازم تصمیم دیگری خواهیم گرفت.

س: شما آقای خلیلی همیشه گفته اید که طرفدار جنگ نبوده اید آیا آقای ربانی اعلام کرده که پیشنهادات آقای محمود مستری نماینده سازمان ملل را قبول دارد شمانظرتان در این زمینه چیست؟

ج: ما گرچه در جریان دقیق نظریاتشان نیستیم ولی آنچه مادر گذشته از آقای استاد ربانی در جریان بودیم و هستیم ایشان همیشه در شرایطی که در تنگنا قرار میگیرد همچو وعده هائی میدهد ولی محضی که برایشان یک مقدار شرایط خوبتر میشود

شانه خالی میکند مابه فال نیک می گیریم

س: ...

و امیدوار هستیم که ایشان با این فشارهای اخیر که از طرف حزب وحدت و باقی مخالفین پیش آمده راضی شود که بصورت مسالمت آمیز قضایا رقت اور افغانستان از طریق تفاهم و مسالمت آمیز حل شود و مردم افغانستان از وضعیت فعلی جنگی نجات پیدا کنند.

س: نماینده سازمان ملل گفتند که با بسیاری یا تقریباً همه گروههای درگیر در افغانستان صحبت کرده و همه شان اعلام آمادگی کرده اند که در دور بعدی مذاکرات شرکت بکنند با شما هم در این زمینه مذاکره شده حتماً؟ چه گفتید دقیقاً؟

ج: البته ما همیشه از پروسه صلح ملل متحد حمایت کرده ایم و حالاً هم حمایت میکنیم و معتقد هستیم که راه حل مسئله افغانستان از طریق صلح است ولی متأسفانه آقای محمود مستری در طول فعالیتهای اخیرش از مردم ما و از حزب وحدت تاهنوز بصورت مطلوب نظر بتاش را جستجو نکرده و معتقد هستم که سرانجام در رابطه با دیدگاه مردم اقدام خواهد کرد و بدون در نظر داشت نظریات مردم ما و حزب وحدت هیچ راه حلی هم موفق نخواهد بود، ما بهر حال از پروسه آقای محمود مستری حمایت میکنیم امیدوار هستیم که بجای مطلوبی برسد.

س: بعبارت دیگر شما میفرمائید که آقای محمود مستری با شما در این باره مشورت کرده؟

ج: البته با نمایندگان مادر سطح پاکستان صحبت داشتند اما در هزاره جات در این اواخر نیامده و باید هم نظریات مردم ما را بگیرد.

بقیه از: خاطره از غرب کابل

نظامی و قاطعیت استاد شهید بیشتر میشود آقای مسعود تا همین لحظه که این سطر را می نویسم به این باور است که مردم را با زور تحت کنترل و سیطره خود قرار خواهد داد که طعم تلخ این رویه رابه وضوح چشیده و لی متأسفانه باز هم متوجه نبوده و به راه منفی خویش ادامه میدهد که حمله نظامی خشینی را علیه مردم در چند اول که صرف یک پست است امنیت سی نفری وجود داشت آغاز کرد و بر اثر این حمله ناجوانمردانه آقای مسعود بیش از میلیاردها سرمایه مردم ماتاراج شد و کانون علمی و مذہبی مردم متدین و بی گناه مابسه عنوان (درم سال) شیعیان به ویرانه تبدیل شد، اینگونه عملکردهای مسعود و ربانی نه تنها بسود حکومتش نبود بلکه باعث میشد انزجار و نفرت مردم ما علیه دستگاه حاکمه

ربانی مسعود بیشتر شدت گیرد، بادرک این نکته ربانی در صداغفال مردم ما برآمده که همیشه در صحبت هایش از وقایع چنداول و اظهار ندامت و پشیمانی میکرد و بارها خواستار ملاقات و معذرت خواهی از محضر استاد شهید شدند.

ادامه دارد

نامه های رسیده

خواهر گرامی فهیمه ۱

این خواهر دلسوز و متعهد به آرمان مردمش طی نوشته ای خطاب به ملت غیور هزاره به بیان شناختش از استاد شهید مزاری پرداخته و در ضمن مرقوم داشته که مایوسی نباشید گرچه رهبر ما را شهید کردند که ضایعه ای است جبران ناپذیر ولی هزاران مزاری دیگر در میان ملت ما وجود دارد.

همچنین وی خاطره از جوانمردی رهبر شهید در برابر اسرای دشمن در غرب کابل نقل نموده (که متأسفانه چندان خوانا نبود و رنه ارقام یافت) در اخیر شعری سروده، بهر حال ماضن تقدیم سلام متقابل این احساس پاک ایشان راستایش میکنیم و امیدواریم بطور دایم با ارسال نوشته ها و اشعارشان در مبارزه حق طلبانه ملتش سهم بگیرد ولی آنچه که قابل ذکر است، اینست که خواهر محترمه بیشتر مطالعه نمائید و در نوشتار خود بیشتر دقت تا آنچه را که مینویسید خالی از نقص باشد.

اداره طلوع وحدت

برادر محترم جوادی - هیجه ۱

باتقدیم سلام شعرار سالی تان وقتاً به اداره جریده مواصلت و وزید ولی متأسفانه فاقد عنوان بود، عنوان ضم نامه شما بعداً بدست ما رسید که جریده زیر چاپ رفته بود اینک شعرتان درین شماره بچاپ سپرده شد امیدوارم به همکاری تان ادامه دهید.

اداره طلوع وحدت

برادر محترم آقای اکبری (تبقوس جاغوری)

ضمن تقدیم سلام و آرزوی توفیق هر چه بیشتر شما و آشنایان تان، اشعار ار سالسی جنابعالی مواصلت و وزید که در شماره قبیل بچاپ سپرده شد و قسماً از نظر زمانی ایجاب نمیکرد که در آرشیف باقیمانده تان بچاپ و زمان چاپ فرارسد، امیدوارم با ارسال شعر مقالات سیاسی، اجتماعی، عقیدتی و خاطره هائی از دوران جهاد ما را یاری دهید.

اداره طلوع وحدت

اعجاز قرآن

۱- قرآن به لحاظ علم و معارف :

قرآن به علم، معرفت و جامعیت خود درآیه ((و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیئی وهدی ورحمت ویشری للمسلمین، ترجمه " و ما برتواین قرآن را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را بیان کند و برای مسلمین هدایت و رحمت و بشارت باشد نحل ۸۹، اشاره کرده است اما اینکه حوزه این جامعیت تا چه حد است آیاهمه جزئیات و تفصیلات را میتوان از قرآن بیرون آورد یا اینکه نه قرآن آنچه را که برای هدایت بشر لازم دانسته است، بیان فرموده، میتواند مورد بحث و تامل واقع شود اما چیزی که در این مقام ما بر آن تاکید داریم این است که اگر کسی در متن تعلیمات قرآن سیر کند، می بیند که متعرض معارف دقیق الهی، فلسفی، اخلاق فاضله و قوانین فرعی از معاملات و عبادات میباشد از میان خصوصیات معارف و علوم قرآنی که آنها را از سایر مکاتب ممتاز کرده و برجسته ساخته است به چند خصوصیت عمده اشاره می کنیم .

۱- گسترده گی معانی و محتوای قرآن که با هیچ کتاب بشری قابل مقایسه نیست .
 ۲- معارف قرآن و آیات حکمی آن در بلندای عظمت قرار دارند، فلاسفه و عرفا در برابر آنها زانو ادب می زنند و از استواری، دقت و جامعیت آنها شگفت زده میشوند ۱۱
 ۳- خصوصیت سوم که احکام و فروع دینی اسلام را ممتاز می کنند آنست که این احکام با تمام گستردگی خود بر اساس توحید است به گونه ای که تمام احکام آن عند التحلیل به توحید منتهی شوند و اگر توحید را بگشاییم و باز کنیم به این تفصیلات منتهی میگردد یعنی این احکام مقتضای توحید است و توحید مقتضای کمال فطری انسان است .
 اما اینکه ما چگونه و از چه راهی می توانیم از منظر یک بحث بیرون دینی به این ویژه گی و خاصیت از احکام و معارف دین اسلام آگاهی یابیم مساله ای است که به بحث و بررسی مفصل نیاز دارد به اجمال میتوان گفت که از نظر مرحوم علامه طباطبائی ما می توانیم اقتضای فطری خود را که همان متحلی شدن توحید و اخلاص در ذات کردار و گفتار ما باشد، در این احکام شرع ببینیم این مطلب از مباحثی که ایشان در تفسیر المیزان تحت عنوان فطری بودن دین و احکام آن دارد، بدست می آید .
 ۴- قرآن از حقایق علمی ای خبر داده است با علم عصر نزول و حتی علمی که در طی اعصار درخشان اسلامی، رونق داشتند، سازگار نبود

اما با توسعه و پیشرفت علم در قرون اخیر فهم آن حقایق برای بشر میسر گردید، این مشخصه مهمی است که می توان اعجاز قرآن به لحاظ علمی نامید، در این زمینه از طرف اندیشمندان مسلمان و بعضاً غیر مسلمان تحقیقاتی صورت گرفته است که محصول این تحقیقات اکنون در کتب متعدد، مقالات بسیار منتشر شده است

۲- قرآن و اخبار از غیب :

قرآن از حوادثی در گذشته و از حوادثی در آینده که آنرا پیشگوئی می نامیم، خبر داده است و به اخبار از حوادث و سرگذشت امتهای پیشین و پیامبران گذشته استدلال کرده است که این داستانها را قبل از این نه پیامبر و نه مردمی که در میان آنان بسر می برد، می دانستند . استدلال به اخبار از حوادث گذشته بر دو امر توقف دارد، اول اینکه، این داستانها از قبل بین سالکان جزیره العرب رایج نبوده و حضرت محمد (ص) نیز آنها را از عهدین نگرفته باشد و دوم اینکه صحت وقوع این داستانها بعضاً با اثبات رسید باشد .

تحقیق تاریخی ای بسیار مستند، از جمله خود همین آیاتی که در آنها به اخبار از حوادث گذشته استدلال شده است به عنوان سندهای قابل قبول تاریخی، صحت امرا و راتاء امین کرده است اما در تاء امین امر دوم پاره ای از کاشفای به باستان شناسی و جوهی از تاء امین در برابر ای قصص قرآن و اخبار آن از امام و حوادث گذشته، بدست داده است .

اما اخبار قرآن از حوادث آینده که به حقیقت پیوسته و خلاف آنها ثابت نشده است بسیار است، قرآن کریم از سرچشم و با قاطعیت منحصر به فرد خویش که از لایحه علم به غیب و نشانه غیر بشری بودن آنست، از وقوع قطعی آن حوادث در آینده خبر داده است و در باره ای از آنها خصوصیات زمانی و مکانی وقوع حادثه نیز مشخص گردیده و در قالب تحدی یا مخالفین و سرکشان عصر نزول بیان گردیده است و بعداً حادثه به همانگونه که قرآن پیشگوئی فرموده بود، واقع شده است .

۳- عدم اختلاف در قرآن :

" افلا یتدبرون القرآن ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیهِ اختلافاً کثیراً، ترجمه : چرا در قرآن تدبر نمی کنند؟ که اگر از ناحیه غیر خدا بود، اختلافهای زیادی در آن می یافتند نساً ۸۲

قرآن کریم از خصیصه عدم اختلاف در مطالب، نظم و اسلوب خود و روحیانی بودند خود استدلال می کند از آنجاکه در عالم طبیعت همه چیز از جمله انسان در تحول و دگرگونی است انسانها در ذات و آثارشان از نقص به کمال و از ضعف به قوت می روند، هر فردی بطور

واضح ادراک میکند که چگونه به مرور ایام به لغزشهای گذشته خود آشنایی شود و به میزان معلومات و تجاربش افزوده میگردد و خود را نسبت به قبل از نظر معلومات و تجارب صحیح بهتری یابد و به تناسب آن مطالبش چه به لحاظ محتوا و چه به لحاظ الفاظ غنی تر، عمیق تر و پخته تر میگردد، پدیده های تفاوت، تناقض، تکامل جهل، سهو، نسیان و کذب در کلام بشری، علی الخصوص جای که کلام به لحاظ موضوع بسیار پر دامنه و به لحاظ زمان، زمان طولانی را در بر گرفته باشد از پدیده های غالب و غیر قابل اجتناب اند چه انسان در طی فراز و نشیب زندگی در معرض حالات گوناگون و متفاوت قرار می گیرد و این تفاوت حالات در زبان و اندیشه و اظهار می کند و موجب پدید آمدن تفاوت و اختلاف در گفته ها اندیشه ها و اقل آهنگ و اسلوب کلام او میگردد اما قرآن نجوماً طی ۲۳ سال بریده بریده در اوضاع و احوال مختلف، از جنگ و صلح، سفر و حضر مکه و مدینه، شکست پیروزی امن و خوف احکام، معارف اخلاق و اخباری از امام گذشته و حوادث آینده را در یک شبکه درهم تنیده همراه با تکرار و بسط کلام در موضوعات بسیار گوناگون بدون کوچکترین اختلاف، تکامل در سطح مطالب یعنی قرآن همان معارف بلند را که در مدینه آورده است بدون کمترین تفاوت در سطح آن از حیث قوت و ضعف حتی از حیث زیبایی تعبیر در مکه آورده است (تناقض کذب در اخبار از حوادث گذشته و آینده ضعف در تعبیر و بیان، تعلیم داده است و حتی در نظم متشابه آن تغییر و تفاوتی پدید نیامده است بلکه نظم خود را همسان و هماهنگ حفظ کرده است بنا بر این عقل ناچار است از اینکه حکمیه و حیاتی بودن قرآن کند چه عادتاً " متنوع است که کلام بشری و غیر روحیانی با این خصوصیات هیچگونه و هیچ نوع علامتی از بشری بودن راکه همانا پدیده های تفاوت، تکامل، تناقض، کذب سهو و نسیان، تفاوت در تعبیر و اسلوب بیان می باشند، در خود منعکس نکند .

ناگفته پیدا است که بر حسب تعریف (اعجاز) خرق قانون عادی و متعارف طبیعت است و این خصیصه عدم اختلاف قرآن به وضوح خرق عادت است چه به وضوح نشان دادیم که چنین کلامی با جریان متعارف و عادی کلام بشری سازگار است و عادتاً " محال است که کلام بشری از چنین خصوصیات بهره مند باشد بنا بر این مطابق موازین کلامی می توانیم استدلال کنیم که این خرق عادت چون همراه با تحدی و ادعای نبوت است شاهد صدق دعوی قرآن و علامت و حیاتی بودن آنست و اگر نه بالطف و حکمت الهی سازگار نیست که چنین

گواه محکم واستواری رابه کسی عطا کند که بسام او خلق را همراه می کند و آن آیت و بینش را از دست او نکیرد.

سخنی که ناگفته ماند و نکران شایسته است ذکر این مطلب است که در نظم قرآن تفاوت های وجود دارد مثلا "سوری که در اوائل بسندت نازل شده اند یا با سوره های مدنی چون بقره و مائده تفاوت های به لحاظ نظم و کونانی و بلندی آیات دارند به گونه ای که وجود همین تفاوتها سبب گردیده است که بعضی از قرآن شناسان از روی آنها بتوانند سالها نزول آیات را تشخیص دهد.

این تحقیق نه تنها مخالف ادعای ما نیست بلکه خود کاشف از وجود نظم دقیق در سراسر قرآن است، چون این تفاوت و تحول را میتوان یک نوع تشابه و یکنواختی که در عین حال حاوی کثرت و تفاوت است در نظر آورد، به عبارت دیگر اسلوب و نظم هندسی و ریاضی قرآن و آهنگ دلنشین آن از یک سیر متوازن، منظم و سامانمند ریاضی پیروی کرده است که در عین انعکاس سیر زمانی نزول خود را اسلوب خاصش را از دست نداده است و نظم و هم آهنگی آن دچار گسیختگی و آشفتگی نگردیده است.

چقدر شگفت انگیز است ۱۱ در عین اینکه در نظم قرآن به لحاظ زمانی یک نوع تفاوتی پدید آمده، لکن تفاوتی است که به خوبی با انسجام نظم قرآن در هم آمیخته به گونه ای که بازبان نمودارهای ریاضی بطور منظم قابل بیانست و از روی آنها میتوان سال نزول آیات را تشخیص داد.

در پایان این بند لازم است که ایین نکته را تذکر دهیم که بعضی ها مخصوصا "مستشرقین غربی مدعی وجود تناقض در مطالب و محتوای قرآن شده اند اما وقتیکه با نمونه های ارائه شده از جانب آنان که خواسته اند بوسیله آنها وجود تناقض و اختلاف را در آیات قرآن نشان بدهند مواحه می شویم ضعف نادرستی آنها را نمایان می بینیم در این خصوص طالبان میتوانند به کتاب معجزه القرآن اثر شعراوی جلد یکم ۱۴ و کتب تفسیری چون تفسیر المیزان مراجعه کنند.

۴- نشانه ها و علایم درونی قرآن گویای تفاوت میان من شخصی پیامبر با قرآن است.

بنا بر آن در قرآن و حالات شخصی پیامبر که از بررسی مستند تاریخی بدست می آیند می بینیم که قرآن دارای شخصیت مستقل از من شخصی پیامبر، نه شخصیتی آن است این کتاب تا آنجا استقلال خود را بعنوان سخن خدا از شخصیت کسی که بر زبان و قلب او جاری

میگردد، نشان داده است این حدائی میباید قرآن و من شخصی پیامبر را که گویای تحلی آن -

از جای دیگر در افاق جان اوست بطور مثال در چند نمونه میتوان نشان داد، اول اینکه بر پیامبر سخت ترین و دشوارترین حالاتی به لحاظ شخصی گذشته است اما در قرآن انعکاس نمیی یابد چه اگر قرآن تجلی عالم غیب نمیبود بلکه از افاق اندیشه و خیال خود وی برخاسته بود آن حالات کم و بیش در قرآن منعکس می شد.

دوم، حوادثی چون حادثه "افک" برای حضرت ا تفاق می افتاد که هم مربوط به من شخصی او می شد و هم بدون حکم رسالت نمیتوانست در آن تصمیم بگیرد چه تصمیم او منشاء تشریع و قانون گذاری می شد در اینگونه از حالات از جمله حادثه "افک" منتظر وحی می ماند، فی المثل در همین حادثه افک کاملا خونسر دمنظر وحی باقی ماند تا اینکه آیسه قرآن به صورت بیان قانون کلی تکلیف را روشن کرد و هم سر پیامبر را از نسبت نار و تبرئه کرده و پیامبر پیامبر به مانند کسی که از جای مطمئن و غیر قابل تردید خبر قطعی و مسلم که تمامی تردید و شبهات را بر طرف میکند دریافت کرده است همسر خویش را پذیرفت.

نمونه ای دیگر حالاتی است که گویا هنگام تلقی آیات قرآن بر او عارض می شد، از آیات قرآن چنین استفاده میشود که پیامبر مورد تعلیم الهی قرار می گرفت و او پیام وحی را که قرآن بود تلقی میکرد، در حین تعلیم و قبل از انقضاء وحی، حضرت پیامبر (ص) میخواستند است که در قرائت تعجیل کند امام علم وحی او را از تعجیل در قرائت منع کرد، تمامی این مطالب در قالب خطاب مستقیم فرشته و وحی با پیامبر در آیات قرآنی آمده است، مثال این آیات چون نوار فیلمی است که عین ماحرای تلقی وحی و حالات به وجود آمده را در متن خود نشان میدهد.

حال آیا قایل قبول است که بگوئیم پیامبر من غندی و به عمد از روی قصد و التفات چنین خطابهایی ساخته است و در متن آیات به نحو غیر مستقیم خود دوم شخص آنها بوده و تصنعاً حالاتی یک متعلم رابه خود گرفته است؟

هر چند ممکن است کسی در استواری این شواهد خد شه کند اما فتح باب خوبی است چرا که این بحث در حوزه پدیدارشناسی دین قرار دارد اما میداست که توسعه و تناسل مبحث پدیدارشناسی دین در این گونه مسائل موفقیت های چشم گیری را نصیب تفکر کلامی مسلمانین بسازد، چون حدس من این است که زمینه بحث در اسلام نسبت به سایر ادیان

در حوزه پدیدارشناسی دین بیشتر است. پدیده های چون حالت یا حالات خاصی در موقع وحی که توام با فشار و گرفتگی بوده و از میل خواست حضور تعقل و علم پیامبر (ص) پیروی نمیکرد، بلکه پیامبر تحت کنترل و سیطره آنها بوده که این حالات از طریق روایت های تاریخی بدست آمده اند و تحقیق وسیع و دقیق در حالاتی شخصی پیامبر قبل از بعثت و تحقیق در محیط مذهبی، فرهنگی و علمی او بدست آوردن سبک زبان وی و سرانجام تا مل در تفاوت های حاصل آمده بعد از بعثت مخصوصا "زبان و سبک قرآن و معارف آن و حالاتی که در حال - وحی برای او پیش می آید همگی پدیدارهایی اند که اولاً " بحث های دقیق تاریخی فقه اللغه و مردم شناسی به عمل آید تا پدیدارهای مذکور تا آنجا که به وقایع تاریخی بر میگردد، روشن و قابل قبول گردد، هر چند پاره ای از پدیدار های مربوط به دین چون تحارب عرفانی و خود دارند که در آنها به بحث های تاریخی و فقه اللغه و امثال آنان نیازی نیست، آنگاه از آنها توصیف های دقیق به عمل آید تا معلوم گردد که این پدیدارها، اصالت دینی و ماورای طبیعی دارند که قابل تحویل و کاهش به فرآورده های اجتماعی و روانی فرد و جامعه بشری نمی باشد. فی المثل در باب قرآن این ادعا که کتاب یاد شده محصول نبوغ پیامبر و تراوشات فکری یا بازتاب فرهنگ علم، آداب و سنن مذهبی و قومی و نیازهای عصر اوست به کمک پدیده های تحویل ناپذیر و خود مختار که جز دینی بودن به چیزی دیگر قابل تحویل و فروکاهش نیست غیر قابل قبول میگردد.

۵- نظم علمی ریاضی در ساختمان قرآن.

عده ای از محققین قرآن شناس کوشیده اند که وجود نظم دقیق علمی ریاضی را در ساختمان قرآن اثبات کنند، تا از این طریق علاوه بر اینکه درهای جدیدی بروی تحقیقات وسیع در محتوای قرآن بازمی گردند، غیر بشری بودن آن نیز ثابت میگردد، چه اگر اثبات شود کلمات و آیات قرآن، همچون عناصر اولیه و اعضای تشکیل دهنده، طبق نظمی دقیق و حساب شده علمی باهم ترکیب شده اند و شماره عناصر مکررات، فاصله های، طول اعضا و... همه نسبت هایی را حکایت میکنند که با فرمول های ریاضی بصورت سخن های کامل طبیعی و نرمال تفسیر میشوند و از طرف دیگر چنین نظمی را هرگز نمیتوان در کلمات و حملات هیچ متنی اعم از شعر و نثر یافت میتوان استدلال کرد که صدور چنین کلامی مخصوصاً از شخصی که بهره از سواد ندارد و در علوم استاد ندیده است



نظری بر گذشته و آینده افغانستان

مضمون از قشاده خنوشی، ترجمه از حاج رحیمی
روزنامه جنگ اردوزبان - کویته ۲۸، ۱۰ - ۱۹۹۵ ک

د افغانستان بين نیروهای ربابی و طالبان جنگ شدید جریان دارد و هر دو طرف از فتوح های تازه سخن میگویند و خروج دیپلومات های خارجی از شهر کابل جریان دارد و ساکنین شهر کابل نیز به کوچ کردن از شهر کابل شروع کرده اند و خطوط جبهات از قندهار تا کابل انبوه از کشته و زخمی ها انباشته شده است و دائره جنگ به دیگر مناطق کشیده شده و مردم جنگ جوی افغانستان يك دوره خونین را می بینند. ولی این بار نتایج این خون ریزی خطرناک خواهد بود.

معلوم میشود که تقسیم افغانستان بر اساس قوم و زبان جامه عمل می پوشد و تمام طرف های میانجی که کوشش داشتند تا جنگ را متوقف نمایند مثل کنفرانس اسلامی، سازمان ملل پاکستان و ایران، شخصیت های بی طرف همه ناکام شدند و تلاش آنها به نتیجه نرسید و آسپاتی که در افغانستان بنام اسلام بر علیه کمونیست ها جهاد میکردند آن به گروه های نژادی و قومی تقسیم شده اند که هر کدام با شخصیات قومی خود می خواهند اسلام را پیاده نمایند. کابل پایتخت افغانستان مدت های زیاد تحت اداره پشتون ها بوده است و درین روزها سبب بستن و غیر پشتون جنگ و جدال جریان دارد و بیسی از آمدن طالبان (اکتوبر ۱۹۹۴ کلمدین حکمتیار امیر حزب اسلامی) نماینده مردم پشتون بود که درین رابطه بعضی مقامات کمونیست افغانی و بعضی رهبران پاکستان از رحمت میکردند، چنانچه جنرال سهنواز تنی بر خلاف دکتر نجیب الله کودتای ناگام کرد و او را رابطه بسیار نزدیک با حکمتیار داشت و بعضی محافظ پشتون پاکستان نیز از او حمایت و پشتیبانی کردند بعد از خروج نیروهای شوروی سابق جنگ از افغانستان بین گروه های مجاهدین معاهده اسلام آباد پیشاور برقرار شد با آنها گلبندی حکمتیار برای اشغال کابل بدون شرکت دادن دیگران تلاش زیاد بخرج داد و نتوانست با در نظر دانستن تمام این مسایل گفته میترانیم که در افغانستان جنگ قومی شدت جریان دارد در اکتوبر ۱۹۹۲ وقتی گروه طالبان بعنوان يك قدرت بوجود آمد همه راهبست زده کرد و در مدت کمتر از ۲ ماه از جمله ۲۹ ولایت ۶ ولایت را بطور کامل به کنترل خود درآورد.

دائره اختیار و قدرت آنها صرف در مناطقی پشتون نشین میباشد و درین مناطق جاهائیکه قبلا "دست حزب اسلامی بودند شامل است علاوه بر این گروه طالبان کلا "از مردم پشتون است و اکثرشان مربوط به جمعیت علمای پاکستان است که در مدارس کویته و پیشاور درس میخوانند و بعضی از جنرال های کمونیست پشتون نیز در بین آنها میباشند و جای تعجب اینجاست که این بار حکمتیار در برابر آنها مقابله نکرد بلکه راه آنها را صاف کرد. افغانستان یک کشور کثیر المللیت است که در آن جاه علاوه بر پشتون ها، تاجیک ها، ازبک ها و هزاره ها تقریبا " ۵۰ گروه قومی زندگی میکنند و امکان اینکه گروه های غیر پشتون بخاطر حقوق شان متحد شوند بسیار است. در افغانستان ربابی و مسعود که بعنوان رئیس جمهور و وزیر دفاع میباشند تاجیک هستند که در مناطق شمال شرق افغانستان مستقر هستند، جنرال دوستم ازبک است و نیروهای دوستم در مناطق شمال افغانستان حاکم است در مناطق مرکزی حزب وحدت که شیعه است حاکم میباشد و در مناطق جنوب کابل و قندهار (جاهائیکه پشتونها هستند) نیروهای پشتون حاکم است بنابراین عملا افغانستان به گروه های قومی تقسیم شده است و این شیعه را تقویت میکند که افغانستان دو تقسیم شده یکی مناطق شمال و مرکزی که غیر پشتون ها حاکم است ۲- مناطق جنوبی که پشتون ها زندگی میکنند و بمصرین سیاسی را عقیده بر اینست که این تقسیم طبق نظر آمریکا و هم قدرت های غربی هم فکر آمریکا میباشد که درین صورت پشتون های افغانستان و پاکستان یکجا شده و یک پشتونستان آزاد را مطالبه نمایند و این مسئله بزای پاکستان بسیار خطرناک خواهد بود، چندی قبل حکمتیار طی يك بیانیه خود گروه طالبان را متهم کرد که توسط آمریکا و همپیمانانش اداره میشود اما گذشت زمان این ادعا را روشن خواهد کرد؟ اما روشن است که حرکت طالبان گروه های مجاهدین را به پشتون و غیر پشتون تقسیم کرده است و طبق نظر کارشناسان سیاسی دولت آمریکا نیز میخواهد که افغانستان تقسیم شود چون در آن صورت بسادگی میتواند ایران را تحت کنترل خود درآورد و روسها نیز باین وسیله منافع خود را در آسیای میانه میتواند حفظ نماید اما هندوستان میخواهد که در افغانستان ناامنی و درگیری و جنگ ادامه پیدا نماید چون بانامنی افغانستان پاکستان نیز دچار مشکلات و ناامنی خواهد شد و هندوستان بارها برای پاکستان اخطار داده که باید به طالبان کمک

نکنند ولی وزارت خارجه پاکستان این اتهام را شدیداً تکذیب کرده است و به این ترتیب در افغانستان چندین قدرت خارجی است که مداخله دارد ولیکن اختلاف ربابی و دیگر گروه های غیر پشتون اگر ادامه پیدا کنند نتیجه خوب نخواهد داشت و با وجود طالبان پیشروی آنان نکات ذیل را باید از نظر دور نداشت. ۱- بر فرض اینکه طالبان کابل را با جنگ تصرف نمایند آنوقت گروه های مخالف در برابر آنها مقاومت خواهند کرد و با پیشروی طالبان گروه های غیر پشتون با هم متحد خواهند شد و تا آخرین مرحله با آنها جنگ خواهند کرد و در آن صورت خطر تقسیم افغانستان بیشتر خواهد شد. ۲- حرکت های نژادی را رنگ اسلام داده در پاکستان هم زیاد مسایل پیدا خواهد شد و رفته رفته مسایل نژادی و لسانی در داخل پاکستان اوج خواهد گرفت و آنوقت پاکستان نیز به اساس نسل و نژاد تقسیم خواهد شد و بعضی مسایل که فعلا " از پیشاور تا کراچی وجود دارد بخاطر مسایل افغانستان است چنانچه نماینده حزب عوام پاکستان آقای اسفندیار ولی دولت پاکستان را اخطار داده گفت که باید پاکستان از حمایت طالبان دست بردار و الا پشتون های هر دو طرف مرز با هم به همکاری مجبور خواهند شد تا مسایل خود را خودشان حل نمایند و این اخطار برای وحدت ملی پاکستان بسیار خطرناک است. ۳- ایران و ازبکستان و تاجیکستان که از حمله کشورهای دوست پاکستان است از پیشروی طالبان ناراحت هستند و امکان دارد که مناسبات این کشورها با پاکستان خراب شود. چون ایران طالبان را یک جریان مخالف شیعه فکر میکنند و طالبان نیز ایران را متهم کرده اند که در حمایت ربابی اقدام میکند و اسلحه ۰۰۰۰ برای دولت ربابی تهیه میکنند اگر چه این الزام را ایران شدیداً رد کرده است بهر صورت اگر پاکستان طالبان را حمایت کند رابطه پاکستان با ایران خراب تر خواهد شد از طرف دیگر هندوستان نیز طالبان را بحیث يك جریان مذهبی محض و متعصب برای منطقه خطرناک می بینند لذا در رابطه با احمد شاه مسعود و ربابی تا حد توان کمک و همکاری میکند و خواهند کرد، با این وضعیت پیچیده و خطرناک که بوجود آمده چه باعث شده که هر روز مخالفت بر علیه پاکستان در مسایل افغانستان زیاد میشود با اینکه در مدت ۱۵ سال پاکستان از مجاهدین افغانی حمایت کرد و باید این همکاری احساس همدردی در بین مردم افغانستان پیدا میشود



آتش اشك داستان

سرگدکه از سمت شرق امتداد یافته بود درست وسط خمیدگی دوتپه ، جائیکه همیشه آفتاب در آنجا غروب میکرد ، ختم میشد پشت دوتپه و کوههای جانبی آنها هیچ چیز دیگری دیده نمیشد ، جز آسمان که گاهی پسر بود از ابرو کاهی پاک بود از همه چیز .

بی بی سکینه ، آتشی در درونش شعله ور بود گر چند که پاها و اعضای بدنش سست و کسل شده بود وقتی آخرین پیاله چای نوشید ، آرام و خون سرد از جای خود بلند شد ، عصای چوبی خود را بدست گرفت و بسوی جایگاه همیشگی خود روانه شد .

نان ، در دهن نرگس ، طعم تلخی بخود یافت از جاحنبد ، راه مادرش را مسدود ساخت مادر ۱ بس اس دیگه ، از بسکه چشم به اون دو کوه دوختی خو کور شدی .

بی بی چوب دستی خود را بالا برد ، به نرگس اشاره کرد که از راهش برخیزد ، نرگس به آرامی کنار خزید با عجز و التماس دامن بی بی را کشید .

مادر اب خداون کوه غصوره بتو هیته چرا خوده ازیت میکنی ، مارا هم میرنجانی ؟ بی بی ، بدون هیچگونه توحه در خانه را گشود و بیرون رفت .

فرید ، که هر صبحی ناظر چنین صحنه ای بود نرگس داد کشید . چه کارش داری ، بگذار برود ، حتما کوه ، غفوره به او میتنه که همیشه میروه .

نرگس از جایش بلند شد غمگین و افسرده حال ، کنار سفره برگشت .

فرید ۱ خی توهم بد سنگدل شده ، چهارده سال اس میروه ، پشت بام میشینه و بان کوهپانگاه میکنه ، حالا از بسکه نگاه کرده . چشمانش آب آورده ، همان کوهپاراهم به سختی می بینه ، میگه چون غفوره آنطرف رفته حتما از همان طرف بر میگردد .

صبح مطبوع بهاری بود ، آفتاب تازه به ساکنین ده گرما بخشیده بود که بی بی سکینه دید ، یک موتر آرام ، آرام ، انگا از وسط آسمان شکل گرفت وقتی کمی بطرف دامنه کوه سرازیر شد ، کامل گردید ، موتر با سرعت پیش میامد . گردوغباری که از دنبال آن بلند میشد تا آسمان قد میکشید ، با طلوع مور خاکستری رنگ لاری ، حره امید در دل بی بی سکینه ریشه دو اند دید خود را از موتر ندوز دید ، آن را تعقیب کرد ، صدای غرغر موتر ، حتی حرنکه آهنگهایش به اوشای

می بخشید ، موتر لحظه به لحظه نزدیک و نزدیکتر میشد ، انگار تلاش داشت که غفور بی بی را هر چه زود تر به او برساند .

آنطرف درختهای پشت آبادی ، موتر از حرکت باز ماند ، کنار سرك توقف کرد ، بی بی سکینه از روی توشکچه اش حید ، نه مثل پرنده ، نرگس کوچک بود . پیش خانه بازی میگرد از کنار او با سرعت گذشت . دختر ۱ بخره که لالایت آمده .

تا پشت آبادی ، جائیکه راه به بلندی میگراید با تمام قدرت و نیرویی که از شور و شوق یافته بود ، دوید ، اما دیگر نفسهایش کشش نداشت سینه اش به خارش افتاد و زانوهایش سست شد ولی باز از حرکت باز نماند ، دستهای خود را روی زانو ها تکیه داد و قد خمیده بسوی سرگد به مسیر خود ادامه داد .

بچه های آبادی که از آمدن موتر اطلاع یافته بودند مثل سیل بسمت سرك هجوم آوردند پیرزنها ، مرد ها و جوانهای آبادی نیز هر کدام بدنبال هم براه افتادند .

وقتی بچه ها به بی بی سکینه رسیدند و از او پیشی گرفتند ، دیگر صبری بی بی به آخر رسید فریاد زد .

- بچا ، بچا ۱ اوکه پسر من اس شمابری چه می دوید ، صبر کنید ، اول من باید خوده فرش راه او کنم ، پسری که از همه پیشی گرفته بود در جا ایستاد ، بقیه بچه ها بعد از او توقف کردند .

- بچا ۱ شاید بی بی را سبگه ، شاید پسر او باشه ماحق نداریم بیشتر از او برویم .

بی بی سکینه در اس همه و بچه ها بدنبال او براه افتادند ، وقتی از درختهای چنار گذشتند ، موتر لاری راه افتاد ، جوانی با چمدانی در دست کنار سرك ایستاده بود ، بی بی سکینه تند ، تند خود را به او رساند ، با تمام وجود به آغوشش کشید ، آتش شور و شعفی که در دل بی بی لهیب میکشید ، بیش از تحمل او بود ، اشك چشمانش سرازیر شد ، با گونه های پراشك چندین بار صورت جوان را بوسید .

جوان بدون هیچ اراده ای لب گشود . بی بی ۱ پسر توهم ، همی صبا پس صبا خود آمد در شارکاشان ایران سر کوره کار میکرد بخودم گفت بعد از تو راه میفتیم خواطر جمع باش - انشالله . . . بزودی میآید .

اشك شوق بی بی یکدفعه خشك شد و نفسش با تمام شعله امیدش بسوی درون پسر زد ، به چشمان جوان خیره ماند . یعنی تو غفورمه نیستی ؟

- نه بی بی ، من پسر قربان هستم ، همسایه شما چطور مره شناختی ؟ بی بی که باز حمت راه پله هاراطی کرده بود خود را به پشت بام رساند در زیر لب زمزمه

کرد .

- دلم گواهی میتنه امروز حتما " میآید ، غفور حتما " میآید .

دومین ماه پائیز ، هوا بسیار سرد بود ، باد ملایم اما سردی می وزید ، برگهای زرد درختها در هجوم آرام باد ازین بر افتاده شاخسار درختان را بدرود می گفتند ، ساعتی نگذشته بود ، بی بی که انتهای سرگد راه سختی می دید ، به تب و لرزش دیدی افتاد ، چشمایش آرام ، آرام از دید افتاد و بدنش انگار یک تکه بی روح ، سست شد ، ابتدا سعی کرد تمام توان و شهامت خود را در مقابل لرزه بی امان بدنش بسیج کند اما لرزه و نیشترهای کوه استخوانهای پشتش میکشید ، توان از او بریده بود ، خواست فریاد بزند اما در استخوانها بیشتر شد ، به آرامی پاره خشتی را از کنار خود برداشت ، در پیش خانه انداخت .

نرگس با سرعت خود را پشت بام رساند وقتی دید که بی بی ، بیحال روی توشکچه اش فرش شده فریاد زد .

- فرید ۱ بخره بی بی غش کرده .

بی بی ، درون اطاق کاهگلی افتاده بود ، دنیا تنگ بود ، تاریک بود و مبهم ، هیچ چیزی را حس نمیکرد ، نرگس سرا سیمه کنار تنور دوید دوسه قاشق شکر داخل پیاله ریخت با آب گرم مخلوط کرد و نفس زنان نزد بی بی برگشت با چابکی سرش را روی زانو گذاشت پیاله را روی لب پائینش قرار داد ، با کمک دست آب شیرین را بخوردنش داد اما همگی آنها بکجا پس زد -

نومیدانه پیاله را کناری انداخت لحظه ای - مکث کرد بعد مثل حره برق دستهایش دوید اول لبها بعد صورت و آخر پاهای بی بی را لمس کرد و تمام اعضای بدنش سرد بود ، سرد سرد مثل یک تکه یخ ، با چشمان اشك آلود به فرید نگاه کرد ، فرید بنعلامت تا سف سرش را تکان داد بعد با صدای خراش گرفته ای گفت :

- پنجه ۱ باهاش را بسمت قبله بکش . مه اهل قلعه را خبر میکنم .

- نه ، فرید ۱ اول مادر موسی را صدا بزن ، مه تنها میتنامم .

زن ها و مرد های آبادی گرد بی بی جمع شده بودند یکی پاهای او را بطرف قبله کشیده گرفته بود و یکی لبها و ابروهای او را فشرده نگه داشته بود وعده ای سوره اخلاص را زیر لب زمزمه میکردند ولی در آن توفی ترین لایه درون بی بی شمعی روشن بود و حائیکه هنوز می طپید گرم بود و غفور تنها هممان خانه گرم قلب بی بی ، ساعتی نگذشته بود ، جوانی نه با هیئت و شمایل غفور که بارش بلند و لب پر پشت تا نرسه ای بردوش وارد خانه بی بی شد . اوکه بی بی چشمایش اگر جایی را میدید هرگز نمی شناخت بکر است



نسل قربانگاه

رخت آن خورشیدتابان شرف
 غرق در ایمان و جان و سربک
 برکشید از دشت خاک آلود رفت
 از میان آتش نمرود رفت
 برکشید آن مرغ خونین بال رفت
 عندلیب سرخ استقلال رفت
 روی موج دستها پرواز کرد
 گریه هارا غرق در آواز کرد
 سینه هارا اگر دلبریز خروش
 خون را آورد از غیرت بجوش
 وامصیبت دشنه دیو پلید
 از تا سف قلب امت رادرید
 غزنوی سلطان صاحب اقتدار
 غزنه ات شرمنده شد پیش مزار
 غزنوی بنگر مزاری خون نمود
 چهره تاریخ را گلگون نمود
 ماکه جام زهر رانوشیده ایم
 روز اول صد کفن پوشیده ایم
 خون پیرماتلاطم میکند
 خشم قوم ماتهاحم میکند
 قصه بس سخت غمگین است آن
 اینک از نو باز خوانیم داستان
 داستان نسل قربانگاه را
 با خبر کن قوم نا آگاه را
 پیرمار قصید غرق در حضور
 مرگ رانوشید در اوج غرور
 پیرما خود داد در زنجیر پا
 شیرهارا کرد از زنجیر ره
 ننگ از زنجیر شاهان شیر نیست
 روبه هرگز لایق زنجیر نیست
 سربدار و پابزنجیریم ما
 آری واللہ زاده شیریم ما
 قامتی داریم و کوه استوار
 شاهد مامشهد شهر مزار
 آیکج پایان کج رفتارها
 پاسبانان در کفش دارها
 وای از این روزگار تلخ نان
 شرم دارد بامیان و بلخ تان
 بس که نیرنگ تفنن کرده اید
 خاک هارا غرق تا من کرده اید
 شایان نگر است که سروده فوق از شاعریست
 که متا سفانه نام خود را در نیل آن ننوشته
 اگر چنانچه بعدا " خود را معرفی کردند در
 شماره آینده از آن نگری میمان خواهیم آورد

شعر معاصر افغانستان

پیام

باغم ایدوستان خوببگیرید
 یاکه از آب زالوبیگیریید
 عطرها یکه باروت آورد
 بهتر از آن زاهوبیگیریید
 فصل بگرفتن حاصلاتست
 بهرمیزان تر ازوبیگیریید
 مبهوه این درخت تنومند
 باهمه زور بازوبیگیریید
 بار در دیگران هست بردوش
 بادودست از دوزانوبیگیریید
 گرگ این گله را در کمین است
 پنجه هارا به چاقوبیگیریید
 گوسفندان و کم گشته گان را
 از شبانان تکاپوبیگیریید
 قایقان سوی ساحل روانست
 خیزید از عزم یاروبیگیریید
 بهر در دیکه در استخوانهاست
 از دواخانه داروبیگیریید
 خاک رویه در این کوچه ماست
 گوئید ای قوم جاروبیگیریید
 جوادی هیچه

بقیه از : الگوهای مقاومت

محمد اسحق : ذکر را هر کرد و گفت (یکمرتبه
 می دیدم خوب بود اما نیت خدا است اختیار دارد
 و دوباره به ذکر شروع کرد و یگانه فرزند باقی
 مانده اش را نیز به جبهه فرستاد .

بلی اینگونه الگوهای مقاومت شکست در هزاره
 هارا نخواهد داشت .
 پایان

بقیه از : آتش اشک

سربالین بی بی رفت ، پیشانی خود را به
 پیشانی بی بی تکیه داد و در جاگریست قطره
 اشکی از روی گونه هایش فرو غلطد . آتش اشک
 او با شمع درون بی بی پیوند خورد و به وجود
 او گرما بخشید .
 - نرگس ۱ نگفتم دلم گواهی میته ، نگاه کن
 این برادر توست .
 - آری مادر ، آری .
 پایان



بر خیز

بر خیز ای پروانه ، محنون ایثار
 بیمناکتر موج سمناک
 پر خروشتر
 از طوفان ۱
 من راه تورا
 در دیار حماسه
 بر حاده های سرخ
 با خون مزین نموده ام
 میدانم که در عمق فاحه خوابی
 بر خیز
 تاریخ را بر گیر بخوان و بخاطر دار
 و بخود بیایندیش
 و فر دار این گسر
 ما من کجاست ؟
 اینک بخود ای
 ز شمشیر ابر دار
 و چنان دژ آلود
 بر فرق دژ خیم فرو بر که دیگر . . .
 تو که از تبار هابیلی
 تصمیم گیر تا بر چکاد یا اس
 بانیروی اراده فرود آیی
 و تا بد غبار بردگی ، خاموشی و سکوت را
 ز گونه های چروکیده ات
 بزادی
 و با چون حسین (ع)
 تاریخ را
 با خون
 زیرا که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است
 پس بر خیز ای محروم
 که محرومان دارشان
 حقیقی زمین اند و فردا
 و تونیز
 مصطفی جوادی - هیچه

طلوع وحدت

حریده : سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی ، خبری
 صاحب امتیاز : حزب وحدت اسلامی . . .
 مدیر مسئول : م ، ط حاج نظری
 آدرس ارتباطی : کویته پاکستان پست باکس
 نمبر ۱۲۲
 فون نمبر ۴۹۶۴ ۸۲ فاکس ۷۲۲۷۹